



بررسی ابعاد نظری نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی با تأکید بر الگوی سوم زن؛ معرفی الگوی «بانوی مجاهد»

رقیه پوران^۱، شهربانو صائب‌نیا^۲، مطهره فقیهی^۳

چکیده

در این پژوهش به شیوه نظری و تحلیلی و با مقایسه جنبه‌های اقتصادی الگوهای اول و دوم زن، به ارائه بنیان‌های نظری الگوی سوم زن مسلمان پرداخته شده است و با استناد به آیات و روایات، الگوی «بانوی مجاهد» به عنوان نسخه مقابل الگوی اول و دوم زن معرفی شده است. در الگوی «بانوی مجاهد» و مطابق با آموزه‌های اسلام، زن از لحاظ ارزش‌های انسانی، از حقوقی یکسان با مرد برخوردار است. او به عنوان یک مجاهد از یک طرف، در خانه و خانواده نقش‌های غیرمستقیم و در عین حال کلیدی، در اقتصاد ایفاء می‌نماید؛ جمعیت آفرینی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در عین انفاق و ایثار مالی، و نیز، اصلاح الگوی مصرف از طریق قناعت، پرهیز از تجمل‌گرایی، اسراف، تبذیر و اتراف. از طرف دیگر، در صورتی که مشارکت اجتماعی و اقتصادی او باشخصیت و سرشت وجودی‌اش و نیز، کارکردهای اصلی وی در خانواده در تزامن نباشد، کاملاً مختار است در فعالیتهای اقتصادی و اشتغال نیز مشارکت مستقیم داشته باشد و در تولید درآمد و ثروت برای رفع نیازهای معیشتی خود، خانواده و ثمربخشی اجتماعی نقش آفرینی نماید. در این الگو، به‌طور ضمنی مشارکت غیرمستقیم زن در فعالیتهای اقتصادی بر مشارکت مستقیم وی تقدم دارد اما بانوی مجاهد می‌تواند با توجه به ملاحظات هر دو نقش را به‌طور هم‌زمان ایفا نماید.

واژه‌های کلیدی:

الگوی سوم زن، مشارکت اقتصادی، جهاد اقتصادی، بانوی مجاهد

۳۴

دوره ۱۳، شماره ۲، پیاپی ۳۴
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳-۰۴-۳۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۰۶-۳۰

صن: ۱۷۵-۱۹۹

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول) r.pouran@alzahra.ac.ir

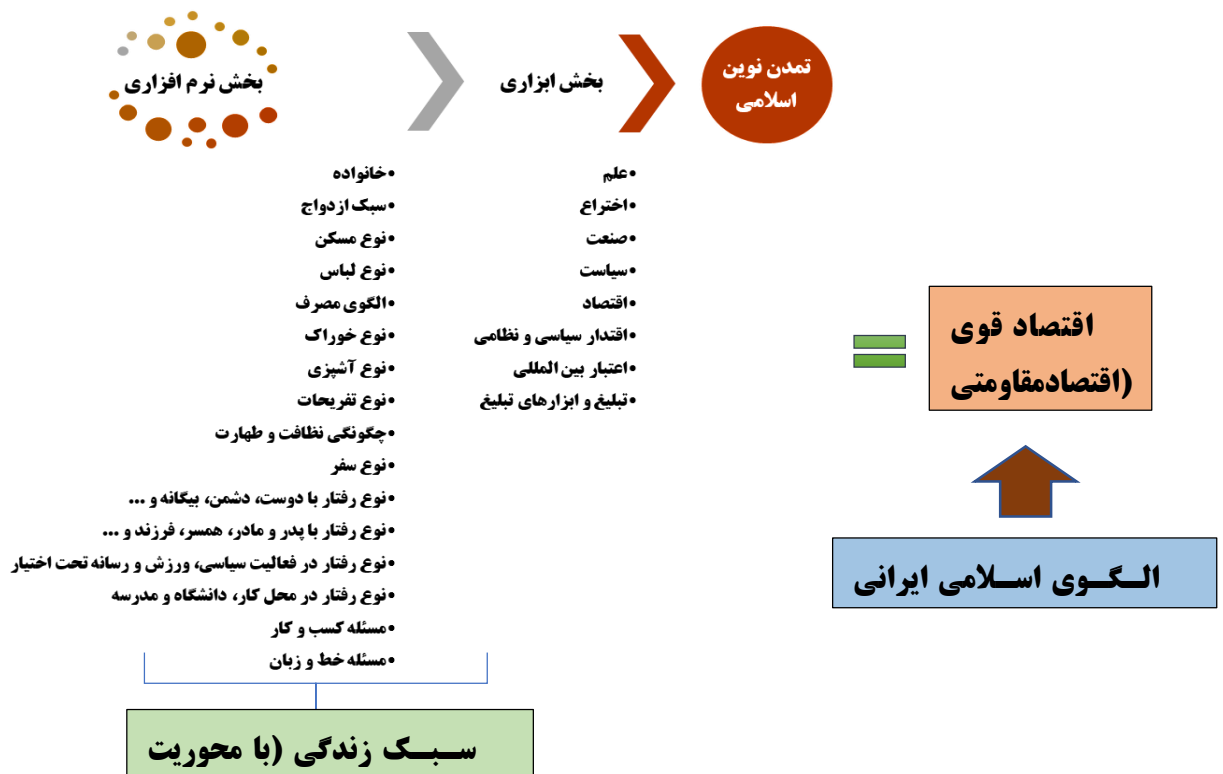
۲. دکتری تفسیر و علوم حدیث، مدرس مدرسه علمیه فاطمه الزهراء (س)، تهران، ایران.

۳. طلبة سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهراء (س)، تهران، ایران



۱. مقدمه و بیان مسئله

از سال ۱۳۸۷ تاکنون، نام‌گذاری سالها از طرف مقام معظم رهبری با رویکرد نقش حساس اقتصاد در تمدن‌سازی و جهت‌گیری کلان‌فعالیت‌های اقتصادی در کشور، مدنظر ایشان بوده است. به علاوه، لزوم طراحی و اجرای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و منویات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی در برهه‌های مختلف، همگی مؤید نگاه خاص ایشان به مقوله اقتصاد در تحقق تمدن نوین اسلامی است. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز، ایشان ضمن بیان ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران، توصیه‌هایی در راستای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در چند سرفصل اساسی از جمله اقتصاد، مطرح نمودند. اگرچه اقتصاد مستقیماً بر تمدن‌سازی تأثیرگذار است، اما با مرور سایر سرفصل‌ها به نقش غیرمستقیم اقتصاد و مقوله‌های اقتصادی در جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نیز، می‌توان پی برد. بر طبق آنچه از بیانات و منویات مقام معظم رهبری در حوزه‌های مختلف تمدنی در زمینه اقتصاد استفاده می‌شود، اقتصاد ایران برای حرکت به سمت پیشرفت نیازمند الگویی اسلامی-ایرانی است، که از الزامات آن ابتناء بر عدالت، معنویت، علم و دانش و اقتضائات ملی است. تهیه، اجرا و تحقق چنین الگویی منجر به مقاوم‌سازی اقتصادی در برابر تکانه‌های درونی و بیرونی اقتصاد خواهد شد. از طرف دیگر، اقتصاد مقاومتی به خودی خود یک عامل ابزاری تعیین‌کننده در تحقق تمدن نوین اسلامی است. اما در نهایت، به فرمایش مقام معظم رهبری نقش پایه‌ای تمدن‌سازی در عناصر نرم‌افزاری خلاصه می‌شود؛ همان‌که در اصل سبک زندگی جامعه را رقم می‌زند و مقدمه‌ای برای تحقق عناصر ابزاری تمدن اسلامی، نظیر اقتصاد است.



شکل ۱: جایگاه اقتصاد در تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)

منبع: مستخرج از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران



به علاوه، نقش زنان به عنوان رکن اصلی خانواده، در فعالیتهای اقتصادی و نیز سبک زندگی، کاملاً بدیهی است. به موازات تحول در مدل‌های رشد اقتصادی، جایگاه زنان به عنوان نیروی کار نیز، از زمان جنبش‌های فمینیستی به ویژه موج دوم (جنبش تساوی شغلی) در ادبیات اقتصادی مطرح شده است (حسینی، ۱۳۸۸). از یک طرف، مطالعه وضعیت توسعه‌یافتگی جوامع پیشرفته نشان می‌دهد، زنان در جایگاه سرمایه انسانی، یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی قلمداد می‌شوند (برتای و همکاران^۱، ۲۰۲۰)؛ به گونه‌ای که بر اساس اطلاعات پایگاه آماری بانک جهانی، درصد مشارکت زنان دارای تحصیلات عالی در کشورهای ژاپن و ایالات متحده به ترتیب، ۶۵/۲ و ۷۳/۵ درصد و برای کشور ایران، ۲۳/۸ درصد است. از طرف دیگر، ادبیات نظری و تجربی نشان‌دهنده کاهش نرخ باروری زنان و نرخ رشد جمعیت، به تبع افزایش میزان مشارکت زنان است (نظیر؛ آن و میرا^۲، ۲۰۰۲ بلوم و همکاران^۳، ۲۰۰۷؛ میلووانکوویچ^۴، ۲۰۲۳؛ علاءالدینی و رضوی، ۱۳۸۳؛ عرب‌مازار و همکاران، ۱۳۹۳؛ مهربانی، ۱۳۹۴؛ سلاطین و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، به لحاظ آثار و تبعات اقتصادی، نوعی دوگانگی و تراحم میان نقش زن در خانواده و نقش وی در فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی مشهود است.

به طور کلی، در مورد مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی سه گفتمان قابل ترسیم است؛ ۱- گفتمان متأثر از سنت؛ با توجه به برخی تفاوت‌های تکوینی بین زن و مرد، معتقد است تنها مردان می‌توانند در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی مشارکت داشته باشند و نقش زن صرفاً در چارچوب خانه و خانواده تعریف می‌شود. ۲- گفتمان مدرن متأثر از جنبش‌های فمینیستی غرب؛ زن و مرد را در انسانیت یکسان می‌بیند اما اقتضائات مربوط به تفاوت در جنسیت را نمی‌پذیرد و خواهان حضور حداکثری زنان در عرصه اشتغال به صورت برابر با مردان است. به طور کلی، جایگاه زنان به عنوان نیروی کار نیز، از زمان جنبش‌های فمینیستی به ویژه موج دوم (جنبش تساوی شغلی) در ادبیات اقتصادی مطرح شده است (حسینی، ۱۳۸۸). ۳- گفتمان اسلامی؛ پیش از بحث درباره اشتغال زنان، اسلام به اصول حاکم بر شخصیت زن توجه کرده است. اسلام بر این باور است که زن و مرد در آغاز خلق و در دستیابی به بالاترین درجات کمال و معنویت یکسان هستند، زیرا معیار سنجش انسان‌ها، ارزش‌های انسانی است که به یکسان برای هر دو جنس در نظر گرفته شده است؛ چرا که منبع فضائل، روح انسان است نه جسم. در این زمینه نیز، زن و مرد تفاوتی ندارند و منبع تفاوت‌های آنان فقط جسم و ویژگی‌های فیزیکی‌شان است. بنابراین، اسلام هرگز به مردان نسبت به زنان امتیاز حقوقی قائل نشده است. پس اسلام با برابری حقوق زن و مرد مخالف نیست؛ بلکه با مشابهت حقوق مخالف است (مطهری، ۱۳۹۶). امامین انقلاب اسلامی به عنوان معتبرترین کارشناسان گفتمان اسلامی، با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های زنان و مردان و دیدگاه اسلام نسبت به مقام انسانی زن، تأکید بر ایجاد تعادل میان دو گفتمان فوق و پرهیز از افراط و تفریط درباره فعالیت زنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی دارند (دارا و صادقی، ۱۴۰۲). به اعتقاد آیه‌الله خامنه‌ای، «احترام به زن این است که به زن فرصت داده شود تا نیروها و استعدادهای برجسته خدادادی درون خود را در سطوح مختلف بروز دهد» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نظری نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی از دیدگاه‌های سنتی و رایج و ارائه الگوی فعالیت اقتصادی مطلوب در چارچوب الگوی سوم زن مسلمان است. در این دیدگاه، نه فقط مشارکت مستقیم زنان بلکه، نقش‌های غیرمستقیم ایشان در فعالیتهای اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و این امر، نقطه متمایزکننده این پژوهش با پژوهش‌های قبلی

۱ . Bertay, Dordevic & Sever

۲ . Ahn & Mira

۳ . Bloom Canning, Fink & Jocelyn

۴ . Milovanović



می‌باشد. به علاوه، این پژوهش به دنبال آن است تا بر اساس دیدگاه‌های اسلامی و مقایسه و تطبیق با الگوی رایج متأثر از گفتمان‌های اول و دوم، مدل نظری نسبتاً جامعی در مورد الگوی سوم زن مسلمان در فعالیتهای اقتصادی تحت عنوان «بانوی مجاهد» معرفی نماید.

۲. ادبیات نظری

بر اساس ادبیات نظری، مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی را در قالب سه الگو و گفتمان می‌توان دنبال نمود؛

۲-۱ الگوی اول نقش زن (زن ضعیف): عنصر فرو دست

این الگو که بر اساس نگرش جاهلیت به مقام زن استوار بود، زن را موجودی بین انسان و حیوان تصور می‌کرد که تنها کارکرد خلقت او تولید مثل و خدمت به مردان بوده و برای او هیچ ارزشی و حقوقی در نظر گرفته نمی‌شد (لویون، ۱۳۱۸، ۵۱۳). در ادبیات اقتصادی، آنچه در این رویکرد مورد توجه قرار گرفته، فقط بررسی تأثیر تعداد جمعیت بر تولید و رشد اقتصادی بوده است. به طور کلی، بر پایه دیدگاه نظری در این گفتمان، اقتصاددانان به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱- اقتصاددانان بدبین نظیر مالتوس^۱ (۱۷۸۹)، بارو^۲ (۱۹۸۸) و بکر^۳ (۱۹۶۰) که مخالف افزایش جمعیت بوده و بر این باور بودند جمعیت از طریق کاهش منابع تجدیدپذیر، مانع تولید و به تبع آن، رشد اقتصادی است. اقتصاددانان خوش بین مانند کوزنتس (۱۹۶۷)، سیمون (۱۹۸۱)، بوسراپ (۱۹۸۹) و کرمر (۱۹۹۳) بر این باور بودند که افزایش جمعیت باعث بهبود فناوری و بهره‌وری می‌شود و یا به عنوان یک عامل مثبت برای تولید محسوب می‌گردد. به نظر آنها هرچه تعداد افراد بیشتر باشد، احتمال تشکیل گروه‌های بزرگتر از افراد ماهر بالاتر می‌رود و این امر ظرفیت و توان جامعه را در خلق علوم نوین افزایش داده و در نتیجه، تولید و سرانه درآمد نیز افزایش می‌یابد (شاه‌آبادی و پوران، ۲۰۲۴؛ پوران و شاه‌آبادی، ۱۳۹۹).

۳-۱ الگوی دوم نقش زن (مرد وارگی): مشارکت در فعالیتهای اقتصادی

مقارن با انقلاب کبیر فرانسه در قرن ۱۸ میلادی و زمانی که لایحه حقوق بشر در پارلمان فرانسه تصویب شد که در آن حقوق زنان (حق کار زنان، حقوق قانونی خانواده، حق آزادی بیان و نیز، داشتن پارلمان مستقل) تضحیح شده بود، «فمینیسم» به عنوان مکتب پدیدار شد. در آمریکا و انگلستان نیز، اوضاع بر همین منوال بود. جان استوارت میل در سال ۱۸۸۹ نظریه برابری زن و مرد را نوشت و به پارلمان انگلستان پیشنهاد داد که زنان شایستگی دارند در اثر آموزش، جایگاه واقعی خود را در اجتماع پیدا کنند و به این ترتیب، جنبش فمینیسم لیبرال رقم خورد. از منظر تاریخی، سه نوع حرکت فمینیستی به تغییر نقش و موقعیت زن در خانواده، اقتصاد و جامعه غربی انجامید؛ ۱- موج اول که به جنبش حق رأی معروف است (۱۹۲۰-۱۸۰۰)، بر پایه لیبرالیسم استوار بود؛ معتقد بود که زنان باید از حقوق و آزادی‌های مردان، به ویژه امتیازات سیاسی، بهره‌مند شوند. در عین حال، برخی از انگیزه‌های چالش‌برانگیز مانند مخالفت با نقش‌های مادری و همسری در این جنبش کمتر مشهود بود. دستاورد این جنبش، کسب حق رأی برای زنان بود. موج دوم که به تساوی شغلی معروف است (۱۹۷۰-۱۹۶۰)، در بستر فمینیسم رادیکال به بحث گذاشته شد. از جمله شعارهای این جنبش می‌توان به نکات زیر اشاره کرد؛ برابری کامل زنان و مردان در تمام حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، تأکید بر مجرد و مخالفت با ازدواج و تشویق زنان به حضور در فعالیتهای اقتصادی، تأکید بر رد نقش‌های مادری و همسری که

۱. Malthus

۲. Barro

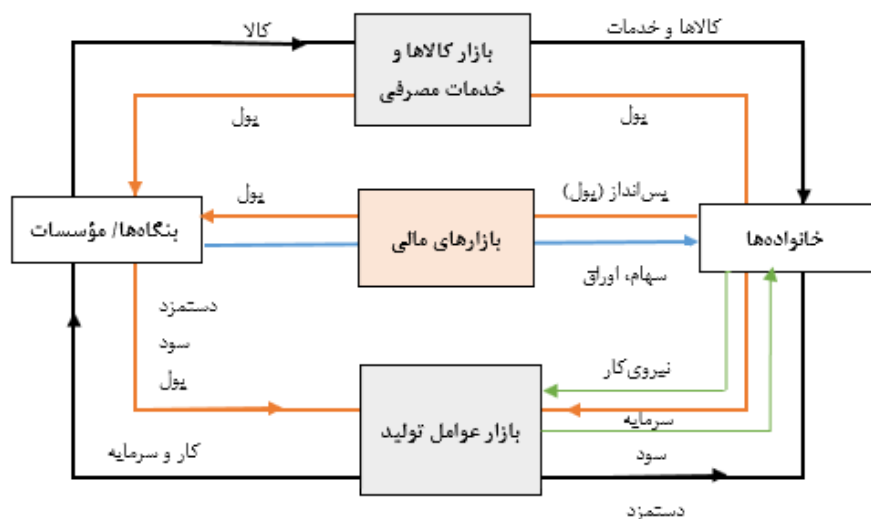
۳. Becker



موجب قدرت‌گیری مردان می‌شود، تأکید بر رقابت زنان و مردان در مسائل اجتماعی و مبارزه با تسلط مردان بر زنان از طریق نقد پدرسالاری و مردسالاری. از نتایج این حرکت، انقلاب جنسی و دستیابی زنان به استقلال مالی و شغلی در برخی زمینه‌ها بود. ۳- موج سوم در برابر مدرنیته که بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ شکل گرفت، در محیط پست‌مدرن و در واکنش به تئوری‌پردازی کلی‌نگر مدرنیسم و با پایه نسبی‌گرایی اخلاقی و شناختی خاص این دوره، رخ داد و همان دستاوردهای پیشین را پی گرفت. قائل به این بود که به تعداد تمام زنان عالم فمینیسم وجود دارد (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۶ و ۱۷)

بر این اساس، نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی نهادینه شد و با پیشرفت نظریات اقتصادی، زنان به عنوان کارآفرین و ابداع‌کننده همسان مردان، در خلق ثروت و درآمد کشورهای غربی نقش ایفا کردند. به طور کلی، از دیدگاه علم اقتصاد، خانواده‌ها یکی از مهمترین تصمیم‌گیرندگان اقتصادی هستند که رفتار آنها بر عملکرد کل اقتصاد اثر می‌گذارد. با انواع بازارها در تعامل هستند. اعضای خانواده در بازار کار مشغول فعالیت هستند و به ازای انجام وظایف و فعالیتهای اقتصادی، مزد می‌گیرند. قسمتی از درآمد (پس‌انداز) یا دارایی خود را به خرید سهام و ... اختصاص دهید. می‌نمایند. بنابراین با بازار سرمایه در ارتباط هستند و از آن‌ها منافع و سود به دست می‌آورند. بخشی از این درآمد صرف مصارف جاری خانواده (خرید کالاها و خدمات) می‌شود و با مراجعه به بازار محصولات و خدمات، در ازای پرداخت بخشی از درآمد خود، از کالاها و خدمات خریداری نموده و بخشی دیگر از درآمد را پس‌انداز می‌کند. بنابراین، رابطه بین خانواده و فعالیتهای اقتصادی در قالب سه بازار مطرح می‌شود (شکل ۲):

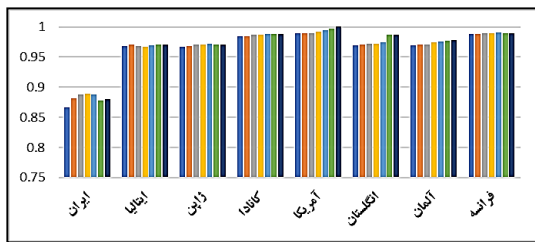
- ۱- **بازار عوامل تولید:** خانواده‌ها، کار و سرمایه و پس‌انداز خود را به بازار عوامل تولید عرضه نموده و در عوض، سود و دستمزد دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، این بازارها منبع درآمد افراد تلقی می‌شوند.
- ۲- **بازار کالاها و خدمات مصرفی:** خانواده کالاهای مصرفی (اقلام خوراکی، پوشاک، مسکن و ...) و خدماتی نظیر؛ آموزش، بهداشت و حمل و نقل و ... را با صرف بخشی از درآمد خود خریداری می‌کند.
- ۳- **بازارهای مالی:** خانواده پس‌انداز خود را صرف خرید سهام و اوراق قرضه یا پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در بانکها و مؤسسات مالی می‌کنند.



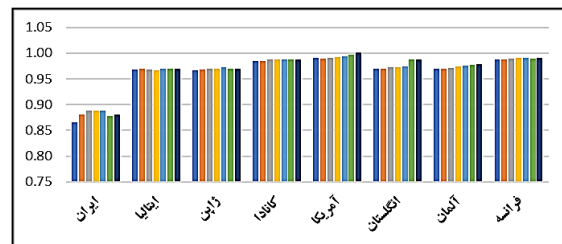
شکل ۲: چرخه فعالیتهای اقتصادی در چارچوب الگوی دو بخشی اقتصاد کلان (افشاری، ۱۳۸۳: ۳۴)

بنابراین، خانواده‌ها تنها تامین‌کننده نیروی کار جامعه محسوب می‌شوند و یکی از اصلی‌ترین عوامل تولید جامعه، یعنی نیروی انسانی، را فراهم می‌آورند. علاوه بر این، قسمت عمده‌ای از سرمایه فیزیکی اقتصاد از طریق سپرده‌گذاری، خرید اوراق قرضه، سهام و ... تأمین می‌شود. از طریق پس‌انداز خانواده‌ها شکل می‌گیرد که به سمت تولید و فعالیت اقتصادی هدایت می‌شود. از طرف، خرید و مصرف کالاها و خدمات موجب رونق تولید است و از طرف دیگر، استفاده صحیح و به اندازه، موجب صرفه‌جویی در منابع و امکانات جامعه خواهد بود.

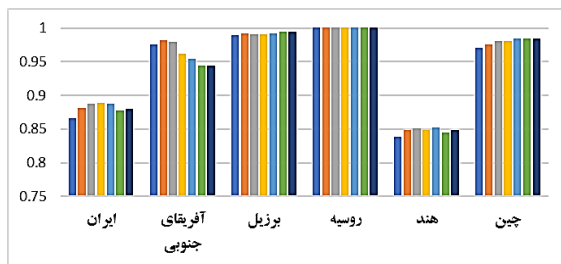
از طرف دیگر، به هنگام بررسی جایگاه زنان در انواع مشارکتهای اقتصادی در ادبیات اقتصادی، به شاخص‌های جنسیتی استناد می‌شود. در این بین، شاخص‌های بین‌المللی توسعه زنان عبارتند از: شاخص توسعه انسانی^۱ (HDI) برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)، شاخص توسعه مبتنی بر جنسیت^۲ (GDI) و شاخص توانمندی جنسیتی^۳ (GEM). این شاخص‌ها در کنار یکدیگر منعکس‌کننده سهم زنان از کل درآمد ملی کشورها، نسبت زنان به کل نمایندگان پارلمان، مدیران و نیز، متخصصین جامعه است. شواهد آماری از شاخص توسعه انسانی زنان (HDI) در کشورهای توسعه‌یافته گروه هفت^۴ (G7) و کشورهای عضو بریکس^۵ در نمودارهای ۱ و ۳ نشان می‌دهد شاخص توسعه انسانی زنان در این گروه از کشورها قریب به اتفاق بین ۰/۹۷ تا ۱ می‌باشد، این در حالی است که این شاخص برای کشورهای عضو بریکس از جمله ایران، حدود ۰/۸۷ و یا کمتر است.



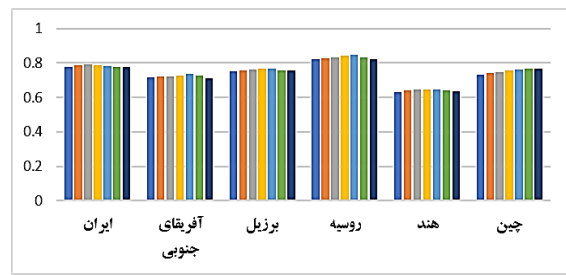
نمودار ۲: شاخص توسعه جنسیتی (GDI) ایران و GV دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۳



نمودار ۱: شاخص توسعه انسانی زنان ایران و GV دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۳



نمودار ۴: شاخص توسعه جنسیتی ایران و بریکس دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۳



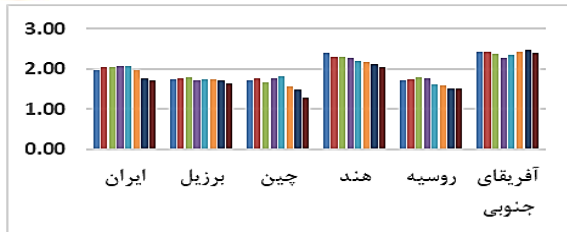
نمودار ۳: شاخص توسعه انسانی زنان ایران و بریکس دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۳

۲۰۱۳

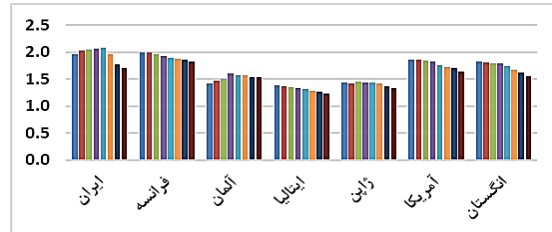
- ۱ . Human Development Index
- ۲ . Gender Development Index
- ۳ . Gender Empowerment Measure

۴. ایتالیا، آلمان، ژاپن، فرانسه، کانادا، ایالات متحده آمریکا و انگلستان

۵. چین، هند، ایران، آفریقای جنوبی، روسیه و برزیل (حدود نیمی از جمعیت دنیا در این گروه قرار دارد و ایران در سالهای اخیر به آن ملحق شده است)



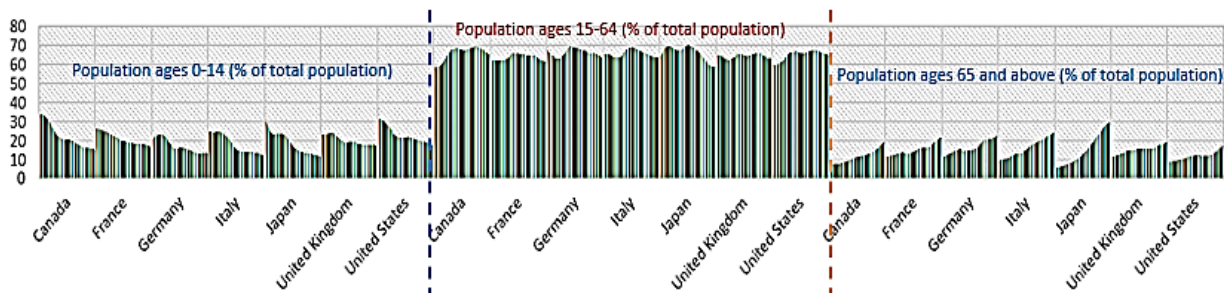
نمودار ۶: نرخ باروری زنان ایران و بریکس دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۳



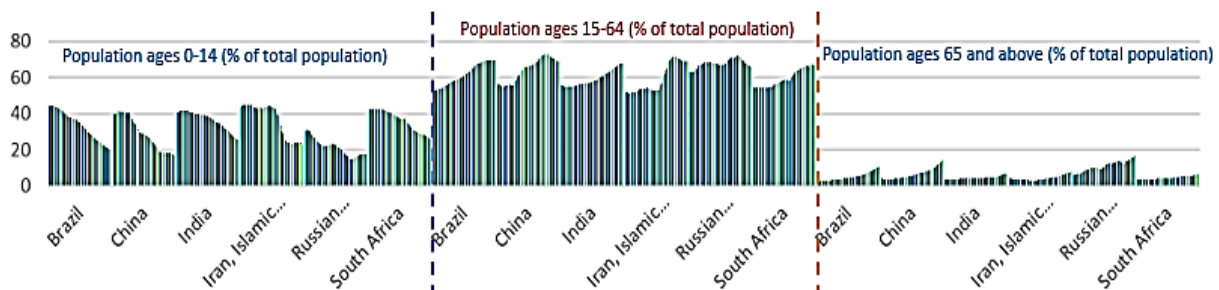
نمودار ۵: نرخ باروری زنان ایران و G۷ دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۳

و همین طور است در مورد شاخص توسعه جنسیتی (GDI) که در نمودارهای ۲ و ۴ به ترتیب برای کشورهای گروه هفت و کشورهای بریکس، قابل مشاهده است.

از طرف دیگر، مطالعه ساختار سنی جمعیت در کشورهای مختلف نشان می‌دهد به موازات افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، درصد جمعیتی که در سن کار و فعالیت تولیدی قرار دارند به اوج خود رسیده است و از طرف دیگر، «پدیده سالخوردگی جمعیت» رو به افزایش نهاده است. علت این امر به طور مستقیم از کاهش شدید نرخ باروری به دنبال افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی نشأت می‌گیرد. به طوری که کشورهای دارای نرخهای بالاتر مشارکت زنان، نرخ باروری نزدیک به صفر و نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال بیشتری از کل جمعیت را تجربه می‌کنند همانطور که از نمودار (۷) مشخص است کشورهای گروه هفت حدود ۳۰٪ از جمعیت کشورشان در سن بالای ۶۵ سال دارند که به طور فزاینده‌ای این روند ادامه دارد و کشورهای عضو بریکس در ابتدای این روند قرار گرفته‌اند و کشورهای نظیر چین و برزیل روند فزاینده‌ای را پیش رو دارند (نمودار ۸). پدیده‌ای که به سالخوردگی جمعیت مشهور است و تبعات اقتصادی و حتی اجتماعی، سنگینی را برای کشورها به دنبال خواهد داشت.



نمودار ۷: بررسی ساختار سنی جمعیت در کشورهای عضو G۷ (۱۹۶۰-۲۰۲۲)



نمودار ۸: بررسی ساختار سنی جمعیت در کشورهای عضو بریکس (۱۹۶۰-۲۰۲۲)



نظریه‌های باروری در ایالات متحده عمدتاً پس از سال ۱۹۵۷ برای تبیین دلایل کاهش نرخ باروری شکل گرفتند. ایجاد یک روند معکوس بین درآمد سرانه و باروری در دوره پس از جنگ جهانی دوم، عامل اصلی توجه اقتصاددانان به موضوع باروری بوده است. از این رو، اصلی‌ترین بخش هر تحلیل باروری را می‌توان در ارتباط بین درآمد و باروری یافت. لینشتاین^۱ (۱۹۷۴) در بحث نوسازی جامعه، به عواملی چون ارتقاء سطح آموزش زنان، افزایش حضور زنان در نیروی کار غیرکشاورزی، کاهش مستمر مرگ و میر نوزادان، تضعیف باورهای مذهبی سنتی که از هنجارهای باروری بالا حمایت می‌کردند، شهرنشینی به همراه اثرات مذهبی که به تغییر الگوهای رفتاری سنتی انجامید، افزایش حقوق زنان و تغییر نقش‌های آنان در بیرون از خانه، تضعیف کلی نظام خانواده، معرفی روش‌های پیشگیری از بارداری و توسعه نظام‌های حمایتی از سالمندان اشاره می‌کند که در کاهش باروری مؤثر هستند. به نظر لینشتاین کاهش باروری ارادی توسط زوجها تأثیر قابل توجهی در توضیح تغییرات باروری ایفا می‌کند. این نظریه بر این باور است که همزمان با افزایش پایدار درآمد سرانه، میزان باروری کاهش می‌یابد (افشاری، ۱۳۹۵: ۱۵ و ۱۶)؛

الف) مکتب شیکاگو - کلمبیا: این نظریه که بکر (۱۹۶۰) آن را ارائه داد، نسخه تکامل یافته نظریه لینشتاین است که بر اساس فرضیات نئوکلاسیک پایه‌گذاری شده و رویکرد غالب در نظریه اقتصاد باروری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ محسوب می‌شود. براساس این، تغییرات باروری از طریق تحلیل تقاضا برای محصولات بادوام مورد ارزیابی قرار گرفته است. با فرض اینکه خانواده از نظر اقتصادی عقلانی است و قیمت کالاهای مصرفی به تصمیمات مصرفی خانوار وابسته نیست، فرزند را می‌توان به عنوان یک کالای مصرفی بادوام در نظر گرفت که در طول زمان خدمات متنوعی ارائه می‌دهد. بر این پایه، مسئله خواسته‌ی فرزند توسط خانواده را در چارچوب نوعی رفتار بهینه‌یابی برای افزایش درآمد خانواده بررسی می‌کند. با فرض اینکه قیمت فرزند در چارچوب الگوی قیمت-زمان مورد بررسی قرار گیرد و با هزینه زمان والدین تبیین شود، هرچه درآمد خانواده افزایش یابد و نسبت قیمت کالا به قیمت فرزند بالاتر باشد و تمایل والدین به داشتن فرزند نسبت به مصرف کالا بیشتر باشد، تعداد فرزندان و در نتیجه، نرخ باروری نیز افزایش خواهد یافت.

ب) مکتب پنسیلوانیا: این مکتب بر خلاف مکتب پیشین، ملاحظات جامعه‌شناسی و جمعیتی را در نظریه باروری لحاظ می‌کند. ایسترلین^۲ (۱۹۶۶) بیان کرد که نوسانات نرخ باروری در میان زنان جوان در هر گروه سنی به تغییرات درآمد نسبی بین نسلی وابسته است. این مطالعه به الگوی باروری از دیدگاه عرضه پرداخته و بر این باور است که نرخ باروری و ظرفیت بالقوه فرزند به هزینه‌های کنترل باروری بستگی دارد و در طولانی مدت، تغییرات درآمد واقعی سبب نوسانات همسو در نرخ باروری خواهد شد.

مجموع نظریات فوق حاکی از کاهش نرخ باروری در اثر افزایش سهم و مشارکت بیشتر زنان در تولید و درآمد ملی است.

۳-۲- الگوی سوم نقش زن (بانوی مجاهد): جهاد اقتصادی

در حالی جنبش‌های فمینیستی غرب از قرن ۱۸ به دنبال احقاق حقوق زنان بودند، که دین اسلام قرن‌ها پیش از رنسانس (از قرن ۷ میلادی) از شبه جزیره عربستان سر برآورده بود و بر خلاف تفکر جاهلی گفتمان اول و نیز، تفکر سرمایه‌دارانه به عنوان دومین گفتمان، جایگاه زن را در جامعه ارتقا بخشید و نسبت به پیشرفت و خوشبختی او حساس بود و در برابر خرافات بی‌پایه و قوانین تحریف شده عصر جاهلیت ایستادگی کرده است؛ زیرا تمام انحراف‌ها ناشی از نوع نگاه و رفتار آنها نسبت به زنان بوده

۱. Leibenstein
۲. Easterlin.



است. دین مبین اسلام از جنبه‌های مختلف به حمایت و پرورش زنان پرداخته است. امیرمؤمنان (ع) در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: «به راستی زن ریحانه (شاخه گل) است و قهرمان نیست، پس در هر حال با وی مدارا کن و همراهی نیکو داشته باش تا زندگی‌ات با صفا گردد». (نهج البلاغه، نامه ۳۱). اسلام، هویت انسانی زن را که در جاهلیت منکر بودند، بیان داشت و به او شخصیت داد و بیان کرد که هیچ کس جز از نظر تقوا و بر دیگری ترجیح ندارد؛ یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^۳ «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست به یقین خداوند دانا و آگاه است».

آیات مختلف قرآن حاکی از تساوی جایگاه اجتماعی زنان با مردان در اسلام است؛ ارسال پیامبران و تنزیل کتاب بر هر دو گروه زن و مرد^۱، استقلال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زن^۲، تساوی در ارزش‌هایی چون کسب علم و دانش، هجرت و جهاد^۳ و تساوی در ارزش‌های انسانی^۴. در مجموع از نگاه قرآن، زنان علاوه بر امتیازات مشترک در ارزش و شرافت‌های انسانی، حتی در آیاتی مورد تکریم بیشتری نسبت به مردان قرار گرفته‌اند^۵ و همچنین، با توجه به تکالیف و مسئولیت‌های بیشتر جایگاه و احترام ویژه‌ای در جامعه و خانواده دارند^۶. حتی از نقطه نظر حقوق مالکیت و جنبه‌های اقتصادی، با در نظر گرفتن شرایط خاص اجتماعی و انسانی زنان، این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که بر اساس قوانین اسلامی، زنان علی‌الخصوص در امور مالی و اقتصادی حق استقلال و آزادی کامل دارند و قادرند اموال شخصی خویش را به هر شکلی که بخواهند، استفاده کنند و این موضوع شامل دارایی‌هایی می‌شود که زنان چه پیش از ازدواج و چه در طول آن به دست آورده‌اند. زنان و مردان در اسلام از نظر حقوق مالی و مالکیت، با یکدیگر برابر هستند و همانطور که مردان می‌توانند اقداماتی مانند خرید، فروش، صلح و رهن و ... انجام دهند، زنان نیز حق دارند. زن می‌تواند به طور مستقل هر تصرفی که مایل است در اموال خود انجام دهد یا در زمینه تجارت، تولید، توزیع و مصرف فعالیت کند و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون رضایت زن، در اموال او دخل و تصرف کند. بنابراین در اسلام، زن از استقلال کامل اقتصادی برخوردار است (محمدی، ۱۳۹۲، ۹۸-۹۶).

بر اساس این پژوهش، الگوی سوم زن مسلمان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، مبتنی بر آموزه‌های اسلام، عبارت است از الگوی «بانوی مجاهد» که در ادامه، به تفصیل بحث می‌شود.

۱-۳-۲- مفهوم جهاد

«جهاد» مصدر است و به معنی تلاش و جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با سختی و مشقت است. در واقع جهاد از لحاظ لغوی یعنی تلاش توأم با رنج؛ اگر گفته شود که فلان کس جهاد کرد یعنی توانایی و قدرت خود را به کار گرفت، متحمل مشقت گردید، تلاش توأم با رنج نمود (قرشی، ج ۲، ۷۸). جهاد از دستورات الهی و امر مقدسی است که در اسلام به آن بسیار تأکید شده است؛ به طوری که اگر جهاد و حکم الهی درباره آن نباشد، کیان اسلام در معرض خطر قرار می‌گیرد؛ و چنانچه

۱. آل عمران، ۱۶۴؛ مائده، ۳؛ جمعه، ۶۲؛ بقره، ۱۶۵ و ابراهیم، ۱.

۲. ممتحنه، ۱۲ و نساء، ۳۳.

۳. آل عمران، ۱۹۵؛ نساء، ۹۶-۹۵؛ مجادله، ۱۱؛ زمر، ۹ و بقره، ۱۵۱.

۴. احزاب، ۳۵.

۵. اعراف، ۱۸۹.

۶. عنکبوت، ۸؛ اسراء، ۲۳ و ۲۶؛ بقره، ۱۸۳؛ مریم، ۱۴؛ انعام، ۱۵۱؛ لقمان، ۱۴ و ۱۵ و احقاف، ۱۵.



دینی این اصل مهم را نداشته باشد، بر خلاف فطرت انسانی است و آن دین، دیگر الهی نخواهد بود؛ زیرا جهاد امری فطری است.^۱ جهاد جنبه‌های مختلفی دارد؛ جهاد نظامی، جهاد اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و ...

۲-۳-۲- جهاد اقتصادی

«اقتصاد»، در لغت از ریشه قصد و به معنای اعتدال و میانه‌روی است؛ خروج از حد اعتدال تحت عنوان اسراف و تقتیر قرار می‌گیرد. از آنجا که اعتدال در هزینه زندگی یکی از مصادیق میانه‌روی بوده، کلمه اقتصاد درباره آن بسیار بکار رفته است تا آنجا که در بکارگیری عرفی از اقتصاد غالباً همین معنی مقصود بوده است. در اصطلاح، اقتصاد بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهایی است که با صرف کم‌ترین هزینه، بیشترین بازدهی در تولید، توزیع و مصرف به دست آید (کرمی، ۱۳۹۰، ۶ و ۷). البته برای اقتصاد، تعاریف گوناگونی ارائه گردیده است. از جمله اینکه؛ «اقتصاد» شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی است که بشر برای تولید و توزیع کالا و خدمات، از منابع محدود یا غیر آماده، به منظور مصرف به کار می‌گیرد. در تعریفی دیگر، «اقتصاد»، کارآمدبخشی و هماهنگ‌سازی مجموعه ظرفیتهای سخت‌افزاری (اعم از منابع انسانی تا منابع غیرانسانی)، در راستای الگوی برگزیده مدیریت تغییر اجتماعی پدیدارهای انسانی است (همان، ۳۶).

بر این اساس، «جهاد اقتصادی» به معنای تلاش و کوششی که است منجر به ایجاد قصد و میانه‌روی در فعالیتهای اقتصادی می‌شود. دیدگاه اسلام و اندیشه اقتصاد اسلام در مورد جهاد اقتصادی نه تنها مثبت، بلکه به مثابه آرمانی است که همواره در جان و دل اولیا و پیروان این مکتب ریشه داشته است. تا جایی که همه پیامبران الهی علاوه بر حیات اخروی مردم، مأمور به آبادانی و حیات دنیوی آن‌ها نیز بوده‌اند، ایجاد موانع ساختگی در طول تاریخ، تنها موجب عدم تحقق آرمان رسیدن به وحدت و افزایش رفاه همگانی بوده است (فتحعلیانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۵).

قرآن کریم در آیه ۹۵ سوره نساء «لَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْمُهْمِنُ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ الْفَيْسُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ الْفَيْسُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهْمِنُ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ الْفَيْسُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهْمِنُ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ الْفَيْسُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» و نیز، آیات ۲۴ و ۲۵ سوره معارج «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ؛ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» به جهاد اقتصادی اشاره نموده است. به طوری که در آیه ۹۵ سوره نساء، «جهاد با مال» معادل جهاد اقتصادی مطرح شده است. جهاد اقتصادی یک مدل از ایثار و تحمل زیان را در خود دارد؛ گذشتن از بخشی از منابع یا گذشتن از بخشی از مال. همچنین، در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره معارج، از ویژگی‌های مؤمنان این است که در اموال خود حقی برای سائل و محروم در نظر می‌گیرند، نوعی ایثار مالی و اختصاص حقی غیر از خمس و زکات که از پرداختهای مالی واجب مسلمان تلقی می‌شود، مدنظر این آیات است (عبدالمالکی، ۱۳۹۸).

۲-۳-۳- الگوی سوم زن در فعالیتهای اقتصادی (بانوی مجاهد)

بر طبق آموزه‌های اسلام، جهاد یکی از فروع دین و از واجبات دینی است که مبنای به ثمر نشستن سایر واجبات است. قرآن کریم در بسیاری موارد که از جهاد سخن می‌گوید، جهاد اقتصادی «جاهدوا باموالهم» را در کنار حضور در میدان جنگ «جاهدوا بانفسهم» ذکر کرده است.^۲ از آنجا که اسلام جهاد اقتصادی را هم‌پایه حضور در میدان جنگ معرفی می‌کند، عرصه جهاد اقتصادی نیز همچون حضور در میدان جنگ بر همگان واجب است. لذا مخاطب جهاد اقتصادی، فقط مردان، سرمایه‌داران و یا تولیدکنندگان نیستند؛ بلکه هر شخصی حتی زنان هم می‌توانند در عرصه این جهاد مشارکت داشته باشند و مصادیق مختلفی از جهاد اقتصادی

۱ - سوره نساء آیه ۹۲

۲ - سوره نساء، ۹۵؛ سوره انفال، ۷۲؛ سوره توبه، ۲۰؛ سوره حجرات، ۱۵



زنان و ابعاد «بانوی مجاهد» در فعالیتهای اقتصادی قابل بحث است. بر این اساس، این الگو در دو بعد قابل مطالعه است؛ ۱- مشارکت مستقیم زنان در فعالیتهای اقتصادی ۲- مشارکت غیرمستقیم زنان در فعالیتهای اقتصادی.

۱-۳-۲- مشارکت غیرمستقیم زنان در فعالیتهای اقتصادی

نهاد مقدس خانواده، رکن اساسی اجتماع انسانی و محل به وجود آمدن فرهنگ‌های گوناگون است. نخستین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا و بانشاط، داشتن خانواده سالم، پویا و با نگرش اقتصاد مقاومتی است. بدون زن و خانواده، نه تنها هویت انسانی آدمی از بین می‌رود، بلکه همه تلاش‌های فردی، اجتماعی و گروهی نیز بی‌ثمر و ناکام خواهد ماند (کریمی موعاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). بنابراین، خانواده و در کانون آن، زن می‌تواند نقش‌های مختلفی در وضعیت اقتصادی خانواده و به تبع آن، اجتماع ایفاء نماید.

۱-۳-۳-۱- جمعیت‌آفرینی

جمعیت متغیر کلیدی فعالیتهای اقتصادی است و متقابلاً، تمام اهداف سیاستگذاری کشورها، برای افزایش رفاه جمعیت است. ارتباط بین جمعیت و رشد اقتصادی از موضوعات قابل توجهی است که در تمامی دیدگاه‌های اقتصادی، از نظریات کلاسیکی تا نظریات جدید اقتصادی به آن توجه شده است. از بعد تقاضا، جمعیت صرف‌نظر از کیفیت و ساختار سنی آن، ایجادکننده تقاضا برای تولیدات است و هرچه جمعیت از لحاظ کمی بیشتر باشد، تقاضای انواع کالاها گسترده‌تر است. این امر موجب ارتقاء کمی تولیدات و رشد اقتصادی است. از بعد عرضه، نقش جمعیت به عنوان نیروی کار بررسی می‌شود. به این ترتیب نقش سرمایه انسانی در تولید و رشد اقتصادی برجسته شده است. در یکی از برجسته‌ترین نظریات این دسته، «نظریه رشد جمعیت» کرمر^۱ (۱۹۹۳) در مورد ارتباط جمعیت با رشد و توسعه اقتصادی مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان و پژوهشگران قرار گرفته است. این نظریه استدلال می‌کند که افزایش جمعیت می‌تواند به طور غیرمستقیم به رشد اقتصادی کمک کند. چرا که بزرگ‌تر شدن جمعیت به معنی افزایش تعداد افراد خلاق و نوآور است و این موضوع منجر به افزایش ایده‌ها و نوآوری‌های فناوری می‌گردد. به عبارت دیگر، نظریه کرمر مؤید نوعی چشم‌انداز مثبت در مورد ارتباط بین جمعیت و رشد اقتصادی است و به وضوح بر اهمیت نوآوری و ابداع به عنوان پیشران‌های اصلی توسعه تأکید می‌کند.

همچنین، جمعیت‌آفرینی به عنوان یکی از نقش‌های غیرمستقیم زن و در عین حال، تعیین‌کننده در فعالیتهای اقتصادی در الگوی اول و دوم نیز قابل مطالعه است، چرا که جمعیت‌آفرینی به مثابه افزایش پتانسیل نیروی کار و سرمایه انسانی پیش‌نیاز تولیدات اقتصادی است. با این حال، نگاه صرف به نقش زن در فعالیتهای اقتصادی به عنوان نیروی کار در الگوی دوم، منشأ تزاخم با نقش مستقیم زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌شود به طوری که شواهد تجربی نیز نشان می‌دهد، نرخ باروری زنان با مشارکت اقتصادی آنان رابطه‌ای معکوس دارد. مطالعه موک و وانگ^۲ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد در جوامعی که نرخ باروری بالاست، زنان معمولاً فرصت‌های کمتری برای ورود به بازار کار و توسعه حرفه‌ای خود دارند. بنابراین، می‌تواند به کاهش سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) منجر شود و بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد.

بر طبق الگوی سوم زن مسلمان و منطبق با گفتمان انقلاب اسلامی در مورد مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، امام خامنه‌ای همواره بر این اثرگذاری دوگانه جایگاه زنان توجه داشته و بیان نموده‌اند «زنان باید به حضور فعال و مؤثر در جامعه پرداخته و در

۱. Kremer

۲. Mok & Wong



امور اقتصادی و اجتماعی مشارکت کنند» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸) و به صراحت اعلام کرده‌اند که «هرگونه خلایی در نیروی کار، به کاهش قدرت تولیدی کشور منجر خواهد شد» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳). بر این اساس، «باید سیاست‌های جمعیتی ما به گونه‌ای باشد که از کاهش جمعیت جلوگیری کند» و «برای پیشرفت کشور باید به جمعیت‌سازی و افزایش نسل جدید توجه ویژه‌ای شود» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰). و در جایی دیگر، بر خطرات ناشی از کاهش جمعیت تأکید نموده و فرمودند «مسئله جمعیت، یک مسئله ملی است» و به سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت و حمایت از خانواده‌ها اشاره کردند (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱).

۲-۱-۳-۲- قناعت

قناعت از صفات ممتاز اخلاقی است و وجود زنانی قانع و حق شناس در خانواده سبب استحکام بنیاد خانواده می‌شود. «قناعت» در لغت به معنی تنازل است، تا آنجا که فرد حیات خود را با امکاناتی که در اختیار دارد، منطبق سازد. از مصداق‌های آن، رضایت دادن به چیزی است که به او می‌رسد. در علم اخلاق نیز ملکه قناعت، ضد «حرص» و حالتی نفسانی شمرده شده است که سبب می‌شود آدمی به قدر نیاز و ضرورت اکتفا کند و خود را برای افزودن مال به رنج و زحمت نیندازد. قناعت و میانه‌روی در اقتصاد و معیشت خانواده از اسباب جلب روزی است که می‌تواند یکی از ابعاد جهاد اقتصادی به شمار آید. بی‌شک زیاده‌روی و کوتاهی، که از آن به افراط و تفریط تعبیر می‌شود. از نظر مردم امری زشت و ناپسند است و یک اصل عقلانی است. روشن و واضح است که مصرف بیش از اندازه در هر چیزی باعث اتلاف و از بین رفتن منبع مصرفی می‌شود. در روایات به اقتصاد و میانه‌روی تأکید شده و آن را از علل وسعت رزق برشمرده‌اند. امام صادق (ع) فرمودند: «أَفْطَرَ رَسُولُ اللَّهِ عَشِيئًا خَمِيسًا فِي مَسْجِدِ قُبَا- فَقَالَ هَلْ مِنْ شَرَابٍ- فَأَتَاهُ أَوْسُ بْنُ حَوَلَةَ الْأَنْصَارِيُّ بِعُسٍّ مَخِيضٍ بَعْسَلٍ- فَلَمَّا وَضَعَهُ عَلَ فِيهِ نَحَاهُ- ثُمَّ قَالَ شَرَابَانِ يُكْتَفَى بِأَحَدِهِمَا مِنْ صَاحِبِهِ- لَا أُشْرِبُهُ وَلَا أُحْرَمُهُ- وَ لَكِنْ أَتَوَاضَعُ لِلَّهِ- فَإِنَّ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ- وَمَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ- وَمَنْ أَقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ- وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَةَ اللَّهِ وَ...» (بحارالانوار، ج ۷۲، ۶۱). حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «كُنْ قَنِعًا تَكُنْ غَنِيًّا؛ یعنی قانع باش تا از دست درازی و استمداد طلبیدن از غیر خداوند بی‌نیاز شوی» و ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «هیچ گنجی مانند قناعت نیست» (همان، ج ۱۶، ۲۵). همچنین، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «طوبی لمن ذكر المعاد و عمل للحساب و قنع بالكفاف و رضی عن الله؛ خوشا به حال کسی که همیشه به یاد آخرت و معاد باشد و کار و تلاشی که انجام می‌دهد برای روز حساب باشد و قناعت کند به آنچه خداوند روزی او کرده است و از خداوند متعال راضی باشد» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۴).

۱-۳-۲-۳- پس انداز

پس انداز یکی از متغیرهای مهمی است که در دیدگاه‌های رایج اقتصادی به عنوان منبع و پشتوانه تولید نگرسته می‌شود. در الگوی رایج اقتصادی، میزان پس انداز به متغیرهایی نظیر درآمد، نرخ بهره، ارث، ثروت و مصرف افراد جامعه بستگی دارد اما در گفتمان اسلامی، جدای از درآمد و ثروت، ارتباط کاملاً مستقیمی با فرهنگ مصرف‌کننده دارد. جامعه‌ای که در آن روحیه اسراف، تبذیر، اتلاف و تجمل‌گرایی حاکم باشد، پس انداز به مفهوم واقعی کم‌رنگ خواهد بود.

آینده‌نگری اقتضاء می‌کند که فرد، تمام درآمدها را به یکباره خرج نکند؛ بلکه باید آینده‌اش را مدنظر قرار دهد و برای تأمین آرامش خود، در صورت توان، قسمتی از درآمدها را پس انداز نماید. در روایتی از امام صادق (ع) آمده که می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قُوَّتَهَا اسْتَفْرَّتْ؛ آدمی، هرگاه وسایل زندگی‌اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد» (کافی، ج ۵، ۸۹). همچنین، در جای دیگر، آن حضرت در پاسخ گروهی از صوفیان که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند، به پس انداز سلمان



برای زندگی سالیانه خود، به عنوان یک زاهد نمونه‌ای که الگوی مصرف اسلامی را رعایت می‌کرد، اشاره می‌فرماید (همان، ۶۸). علاوه بر این، توصیه‌های موجود در روایات به تخصیص مقداری از درآمد به پس‌انداز، به معنای ذخیره‌سازی نقدی نیست، بلکه با تأکید بر ساماندهی و بهینه‌سازی دارایی‌ها، افراد به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف تولیدی و تجاری ترغیب شده‌اند تا جایی که ساماندهی ثروت، بخشی از ایمان شمرده شده است: «إصلاحُ المالِ مِنَ الإیمانِ؛ نگاهداری نیکو از مال، نشانه ایمان است» (همان، ۸۷). بدیهی است که آینده‌نگری و پس‌انداز در سطح کلان برای تأمین نیازهای جامعه، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. در این میان، زن در خانواده می‌تواند با اصلاح الگوی مصرف و مدیریت هزینه‌ها، در پس‌انداز خانواده و تأثیرگذاری بر اقتصاد جامعه نقش مهمی ایفا کند.

نکته قابل تأمل این است که این پس‌انداز و تجمع ثروت را نباید نافی انفاق و ایثار دانست. اسلام که افراط و تفریط در هر امری را تقبیح می‌کند و حد اعتدال را تعلیم می‌دهد، قائل به این است که تجمع ثروت به دور از انفاق و ایثار امری نارواست و جامعه اسلامی را دچار فترت می‌کند، آیه ۳۴ سوره توبه به این امر اشاره دارد: «و الذین ینکزون الذهب و الفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم» (آنان که طلا و نقره را گنج کرده ذخیره می‌کنند و آن را در راه خدا به مصرف نمی‌رسانند، به عذابی دردناک بشارت ده).

۱-۳-۲-۴- دوری از اسراف و تبذیر، و میانه‌روی در مصرف

ضرورت تبذیر در امر مصرف توسط زن مسلمان کمک بزرگی به مدیریت هر چه بهتر اقتصاد خانواده می‌نماید. در این راه او باید تلاش ویژه‌ای که همانا جهادی در زمینه مصرف صحیح منابع خانواده و جلوگیری از اسراف داشته باشد. اسراف و گرایش به اسراف‌گری به عنوان مهمترین سد در مدیریت بهینه منابع خانواده شناخته می‌شود. هدر دادن منابع و امکانات خانواده و هزینه در امور غیرضروری، نه تنها به مدیریت اقتصاد خانواده ضربه می‌زند، بلکه افراد را در معرض پیامدهای منفی مختلف نیز قرار می‌دهد. مصادیقی از اتواع آفات در مصرف‌گرایی در متون اسلامی عبارتند از:

- «اسراف» از ریشه «سرف» به معنای تجاوز از حد و مرز اعتدال در هر کار است. مفردات ألفاظ القرآن این کلمه را چنین تفسیر کرده است: «السرفُ تجاوزُ الحدِّ فی کلِّ فعلٍ یفعله الإنسانُ» (راغب اصفهانی، ج ۱: ۲۳۰).
- «تبذیر» در لغت به معنای پراکندن و پریشان ساختن است (معین، ج ۱، ۲۶۶) راغب می‌گوید: «التبذیرُ التفریقُ واصله القاء البذر و طرحه فاستعیر لکل مضیع لماله؛ (همان، ج ۱: ۴۰۷) تبذیر به معنای پراکنده کردن است و اصل آن پاشیدن بذر است و به هر کس که مالش را ضایع می‌کند گفته می‌شود ولی ناگفته نماند که گاه این دو کلمه در یک معنی به کار می‌رود و حتی به عنوان تأکید پشت سر یکدیگر قرار می‌گیرند.» امام علی (علیه السلام) طبق آنچه در نهج البلاغه نقل شده، می‌فرماید: «ألا و أن إعطاء المال فی غیر حقّه تبذیر و اسراف و هو یرفع صاحبه فی الدنیا ویضعه فی الآخرة ویکرمه فی الناس و یهینه عندالله». (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).
- «اتراف» یکی دیگر از واژگانی که همپای سایر الفاظ همچون اسراف و تبذیر در حوزه مصرف مورد استفاده قرار می‌گیرد. طریحی، اتراف را به معنای طغیان از حدود و رهایی در بی‌بند و باری و شهوات دنیا معرفی می‌کند (طریحی، ج ۵: ۳۰). ابن منظور، این واژه را به معنای فراخی و وسعت در نعمت دانسته است (ورام بن اَبی فراس، ج ۱: ۱۶۷). بعضی از مفسرین قرآن نیز این واژه را این چنین معنا کرده‌اند «واژه مترف از ماده ترف بر وزن (طرف) به معنی تنعم است و مترف به کسی می‌گویند



که فزونی نعمت و زندگی مرفه او را مست، مغرور و غافل کرده و به طغیان‌گری واداشته است.» (راغب اصفهانی، ج ۱: ۲۳۰). برخی از محققین نیز افراد مترف را این چنین معرفی می‌کند: «مترف، آنهایی هستند که در اثر نعمت ای فراوان الهی و برخوردار از مواهب سرشار زندگی خوی درندگی و یا هوسرانی پیدا کرده و فاسد شده‌اند.» (جهانیان، ۱۳۹۱: ۲۸۶). خدای متعال در قرآن کریم زندگی کسانی که به تنعم‌پرستی خوش گذرانی و اتراف گرفتار شده اند راه مورد نکوهش قرار می‌دهد: «هو إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفها ففسقوا فيها فحى علیها القولُ فدمرناها تدميراً!»^۱ و چون بخواهیم مردم شه‌ری را هلاک کنیم کامرانان ناز پرورده‌ها و توانگران آنجا را فرماییم توان یا حکومت دهیم تا در آنجا نافرمانی و گناه کنند. آنگاه آن گرفتار وعده ما به عذاب بر مردم آن سزا شود، پس آن را به سختی نابود کنیم». در حقیقت، می‌توان گفت که اتراف از جمله عوامل اصلی نابودی و بدبختی بشر به شمار می‌آید و ثروتمندان مرفه، هالک و مه‌لک هلاکت‌زا هستند که کشت و نسل را به ویرانی می‌کشند و جامعه را به قعر بردگی اقتصادی، محدودیت روزی، خواری و عقب‌ماندگی می‌رانند. علاوه بر این، از جمله دلایل ظهور فقر می‌توان به مصرف نامتناسب و گرفتار شدن در دام تجمل، اسراف و اتلاف اشاره کرد (حکیمی و حکیمی، ۱۳۸۰: ۴۲۹-۴۲۰).

از نگاه اسلام، آموزه‌های روایی، قرآن و نهج البلاغه، مادی‌گرایی و بی‌قید و بند بودن در تمام اشکال آن به خاطر تأمین لذت‌های جسمی و جنسی مورد انتقاد واقع شده است. تخصیص درآمد برای نیازهای مشروع و امکانات مصرفی نباید با سطح درآمد و وضعیت زندگی عمومی افراد اختلاف قابل توجهی داشته باشد به گونه‌ای که از دید عرف، اشرافی و اسراف‌آمیز تلقی گردد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). در روایتی از امام علی (علیه السلام) یکی از شاخصه‌های تأثیر گذار در افزایش فقر در جامعه اسراف معرفی شده است. «سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ؛ اسراف موجب فقر می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۹). زن مسلمان با شناخت صحیح مصادیق اسراف در خانواده و آثار و پیامدهای آن، باید تمامی توان خود را برای مقابله با آن بکار گیرد. اگر زنان الگوی مصرف در مسائل مختلف منزل، یعنی از خوراک و پوشاک گرفته تا تهیه وسایل خانه را بر اساس الگوی اسلامی مصرف رعایت کنند، این موضوع به عنوان الگوی عملی فرزندان خواهد بود. در خانواده‌هایی که مادرانی با این ویژگی، مدیریت داخلی منزل را به عهده دارند، معمولاً در زندگی خود صرفه‌جویی داشته و در عمل نیز، زندگی موفق‌تری دارند و حتی اگر از نظر مالی در سطوح بالای اقتصادی قرار بگیرند، کمتر دچار اسراف می‌شوند.

۵-۱-۳-۲- دوری از تجمل‌گرایی

«تجمل‌گرایی» اصطلاحی است مرکب از دو واژه «تجمل» و «گرایی»؛ «تجمل» به معنای زیور بستن، آذین کردن، خود آراستن، مال و وسایل گرانبها داشتن، خودآرایی، جاه و جلال، خدم و حشم و... آمده است. بنابراین، «تجمل» در لغت به معنای خود را زینت دادن و آراستن است و به صورت اسمی، به معنای وسایل آرایش و آنچه موجب نشان دادن شأن و شکوه باشد، به کار می‌رود و «گرایی» به معنای هنگ کردن، میل و رغبت کردن. در مجموع، «تجمل‌گرایی» به معنای رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی است. به عبارت بهتر، توجه مفرط به ظواهر زندگی و خروج از حد اعتدال در استفاده از وسایل دنیوی «تجمل‌گرایی» نامیده می‌شود که ریشه در اسراف دارد.



هر پدیده اجتماعی آثار و پیامدهایی دارد و تجمل‌گرایی نیز از این قاعده مستثنی نیست. رواج تجمل‌گرایی، تبعات فراوانی در ابعاد فردی، اجتماعی و خانوادگی به همراه خواهد داشت. در بعد خانوادگی، مواردی نظیر: دورشدن زنان از نقش والای مادری و همسری، اخلال در مدیریت اقتصاد خانواده، از دست رفتن آرامش خانواده و از هم پاشیدگی خانواده و عدم تربیت صحیح فرزندان را می‌توان برشمرد. آثار و پیامدهای تجمل‌گرایی زنان را نیز مانند اسراف می‌توان در دو جنبه فردی و اجتماعی بیان نمود. آثار فردی آن همچون: محرومیت از هدایت الهی، دچار شدن به فقر، روی آوردن به درآمدهای نامشروع مردان و فاصله گرفتن از توده مردم می‌باشد و آثار اجتماعی آن را نیز می‌توان در کاهش تولید، افزایش اختلاف طبقاتی، تحقیر دیگران و تجاوز به حقوق دیگران دانست (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۸۰). از این رو، زن مسلمان با الگو گرفتن از دستورات دین می‌تواند کمک شایانی به اقتصاد خانواده و جامعه داشته باشد. دوری از تجمل‌گرایی و روش صحیح زندگی، خود یکی از مصادیق جهاد اقتصادی زن محسوب می‌شود.

۱-۳-۲-۶- انفاق

یکی از نمونه‌های جهاد اقتصادی در رفتار حضرت زهرا (سلام الله علیها) حمایت از دارایی‌اش برای حل مسائل حکومت دینی است و این عمل پیش از او توسط مادرش خدیجه (سلام الله علیها) انجام شده بود. حضرت زهرا (سلام الله علیها) به‌قدری برای رفع نیازهای حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تمام وجود آماده بود که در چندین مورد، هنگامی که فردی به خاطر مشکل اقتصادی‌اش به پیامبر، یعنی به حاکم جامعه دینی، مراجعه می‌کرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نمی‌توانست مشکل او را حل کند، او را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) ارجاع می‌داد. به عنوان نمونه، می‌توان به داستانی مفصل اشاره نمود که امام باقر (علیه السلام)، از قول جابر بن عبدالله انصاری برای فرزند خویش امام صادق (علیه السلام) نقل کرده‌اند که جابر گفت: «روزی نماز عصر را همراه پیامبر خواندیم و هنوز متفرق نشده بودیم که پیرمردی از مهاجران که از شدت پیری و ضعف به زحمت راه می‌رفت به سمت ما آمد و پیامبر احوالش را جویا شد. او گفت ای پیامبر خدا گرسنه ام سیرم کن، برهنه ام مرا لباسی بپوشان، فقیرم دستم را بگیر. حضرت فرمود من چیزی ندارم که به تو بدهم اما این مقدار هست که بتوانم تو را به کسی که اهل خیر باشد راهنمایی کنم. پس به خانه کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند. کسی که خدا را بر خویش مقدم می‌دارد، به خانه فاطمه برو. آن فرد با راهنمایی عمار به خانه حضرت زهرا می‌رود و عرض حال می‌کند و حضرت تنها گردنبد خود را که آن هم هدیه دختر عمویش (دختر حضرت حمزه) بوده به او می‌بخشد...» (بحارالانوار، ج ۴۳: ۵۶-۵۸).

مصادقات‌های جهاد اقتصادی حضرت زهرا (سلام الله علیها) صرفاً به سخت‌گیری بر خود و کمک به دیگران محدود نمی‌شود، بلکه ایشان از دارایی‌های اقتصادی‌اش در راستای مبارزات سیاسی نیز بهره می‌بردند. یکی از نمونه‌های بارز آن را پس از رحلت پیامبر (ص) در ماجرای فدک می‌توان دید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با توجه به ویژگی‌های شخصیتی حضرت زهرا، باغات فدک را که طبق آیه ۱ سوره انفال به ایشان داده بود، به گونه‌ای اداره می‌کرد که حضرت زهرا تنها برای تأمین نیازهای مستمندان جامعه از آن استفاده می‌نمودند. پس از فوت پیامبر و حوادثی که به وقوع پیوست، خلیفه اول فدک را به عنوان دارایی‌های دولت غصب کرد. حضرت در دو خطبه طولانی، فدک را به بهانه‌ای برای زیر سؤال بردن مشروعیت حکومت خلیفه اول تبدیل کرد و با این عمل، نشان داد که چگونه می‌توان دارایی‌های اقتصادی را در راستای اصلاحات سیاسی جامعه و آگاهی بخشی به کار گرفت (طاهری‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸). نمونه‌های معاصر این امر نیز، بارها در دوره جمهوری اسلامی ایران از جانب زنان ایرانی نیز، به منصفه ظهور رسیده است؛ نقش برجسته زنان در پشتیبانی از رزمندگان دفاع مقدس و جنگ تحمیلی و اخیراً، حمایت و دستگیری



از خانواده‌های آسیب‌دیده جبهه مقاومت با اهدای زیورآلات، در شرایطی که کشور ایران خود دچار تحریم‌های شدید اقتصادی است. با رجوع به همین شواهد تاریخی می‌توان دریافت که جهاد اقتصادی صرفاً مخصوص تولیدکنندگان، سرمایه‌داران و امثالهم نیست بلکه، هر شخص از هر قشری می‌تواند در این نوع جهاد شرکت کند و زن الگوی سوم با تدابیر اقتصادی خود می‌تواند در این عرصه مهم سهم بوده و نقش آفرینی کند.

۲-۳-۲- مشارکت مستقیم زنان در فعالیتهای اقتصادی و اشتغال

اسلام به کار و اشتغال اهمیت زیادی داده است و بیکاری، تنبلی و کسالت را به شدت نکوهش کرده است و در ضمن تعالیم خود افراد را به کار و جدیت فوق‌العاده تشویق کرده است و آن را یک فریضه الهی برای مسلمانان می‌داند. از طرفی کار در اسلام عبادت و به منزله جهاد در راه خداست و در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی بر این امر تأکید شده است. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: کسی که برای تأمین زندگی خانواده‌اش زحمت می‌کشد، همچون کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند (میزان الحکمه، ج ۴: ۴۴۵). گاهی در اسلام کار را از جهاد در راه خدا بالاتر می‌داند؛ علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «پاداش و اجر کسی که برای تأمین مخارج زندگی خود و عائله‌اش تلاش و کوشش می‌کند و روزی خود را از فضل خداوند، در پرتو کار و کوشش می‌جوید، از پاداش کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، بیشتر است» (کافی، ج ۵، ۸۸). پیامبر اکرم (ص) فرمود: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ . طَلَب [درآمد] حلال، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ۹). کار و کوشش، راه و رسم انبیای الهی و پرهیزکاران است؛ این نکته را امام کاظم (ع) به یکی از شیعیان خود گوشزد کرده‌اند؛ زمانی که او حضرت را عرق‌ریزان، مشغول کار دید، پرسید: کارگران و غلامان کنجیند؟ حضرت فرمود: «کار و تلاش سیره عملی رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین و امامان بزرگوار از پدرانشان بوده است و همه انبیاء، پیامبران و صالحان چنین راه و رسمی داشته‌اند» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ۳۹). بر این اساس، کار کردن از نظر اسلام نوعی عبارت است و حتی تلاش‌کننده برای کسب روزی حلال در یکی از سخنان پیامبر (ص) مانند «مجاهد در راه خدا» قرار داده شده است (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ۱۱۳). اسلام، با سستی و تنبلی و بیکاری، جداً مبارزه کرده و بیکاری را عامل بدبختی و سیه‌روزی می‌داند. آمده است پیامبر (ص) هرگاه به مردی نگاه می‌کرد و توجه آن حضرت به او جلب می‌شود، می‌پرسید آیا شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند نه، بیکار است، می‌فرمود: از چشمم افتاد. گفته می‌شد چگونه این چنین است؟ می‌فرمود، مؤمن اگر شغلی نداشته باشد، با دین‌فروشی زندگی خود را اداره می‌کند (بحارالانوار، ج ۱۳۰۳، ۹). ضرورت کار و تلاش برای اداره زندگی خود و رفع نیازهای زندگی خود و جامعه تا آنجاست که امام صادق (ع) از دعا برای شخصی که دست از کار کشیده بود و از امام خواست تا دعا کند که خداوند روزی او را برساند، پرهیز کرد و از او خواست که به دنبال کسب و کار و طلب روزی برود (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۹۴).

از طرف دیگر، کار حداقل به دو معنا بکار می‌رود (باقری، ۱۳۸۲؛ توسلی، ۱۳۷۵؛ خیری، ۱۳۸۵): الف) هر فعالیت بدنی یا فکری که منجر به تولید کالا یا ایجاد خدمت می‌شود و به آن دستمزد تعلق می‌گیرد. ب) هر فعالیتی که انرژی برای صرف می‌شود؛ چه رسمی باشد چه غیررسمی، مزدبگیر باشد یا فی سبیل‌الله. این معنا از کار، کار خانگی، خانه‌داری، پرورش فرزند، فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی و مواردی نظیر آن را نیز، شامل می‌شود. این همان تعریفی است که در متون دینی بر آن تأکید شده و همه مکلف به آن هستند. استاد مطهری در این باره می‌فرماید: «همه ملزمند کار کنند و حصول کارشان الزاماً به اجتماع تعلق دارد.» (مطهری، بی‌تا، ج ۲۰، ۱۰۵)



در ادامه، آثار فردی و اجتماعی اشتغال با استناد به سخنان پیشوایان معصوم (ع) چنین بیان شده است (همان، ۹۵ و ۹۶)؛

الف) بقای اموال و سرمایه شخص: اشتغال به کار موجب بقای اموال و سرمایه شخص و رها کردن آن در صورت احساس بی‌نیازی و ثروتمندی، موجب نابودی اموال فرد است زیرا، به تدریج برای تأمین هزینه زندگی، پول و سرمایه را از بین می‌برد زیرا به تدریج پول و سرمایه خرج می‌شود و جایگزینی نخواهد داشت. امام صادق (ع) درباره کسی که اشتغال خود را ترک کرده بود، سه بار فرمود: «این کار شیطان است». همچنین، در جای دیگر یکی از اصحاب را که با ثروتمند شدن کار و شغل خود را رها کرده و به امام گفته بود آنقدر بدست آورده‌ام که می‌توانم در باقی عمر از آن استفاده کنم، از این کار نهی کرده بودند (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ۶).

ب) رشد عقل و فکر انسان و استعدادها: او: قوای فکری انسان با فعالیت برای ابتکار و نوآوری و بالا بردن کیفیت کار، ورزیده شده و رشد می‌یابد اما، با تعطیل شدن کار و اشتغال نه تنها عقل و فکر به کار نمی‌افتد بلکه، چه بسا سیر نزولی پیدا می‌کند و همین امر باعث از دست رفتن نشاط و شادابی او در زندگی می‌گردد و رکود و کسالت را به دنبال خواهد داشت. امام صادق (ع) فرمودند: «تجارت، عقل را افزون می‌کند و ترک آن، از خردمندی می‌کاهد» (وسائل الشیعه، باب ۲، ۴)، از امام علی (ع) نقل شده است: «چون کسالت و ناتوانی باهم جمع گردند، فقر را به دنبال می‌آورند» و نیز، امام کاظم (ع) فرموده‌اند: «بر تو باد که از سستی و تنبلی دوری کنی؛ همانا این دو موجب محرومیت تو از بهره دنیا و آخرت می‌گردد» (همان، ۳۸).

ج) مایه عزت و شرافت فرد و اجتماع و نیز، رفع فقر و محرومیت: اشتغال به کار مایه عزت و حفظ آبروی هر فرد است؛ زیرا شخصی که با کار خود درآمد کسب می‌کند، نیازمند دیگران نخواهد بود و عزت و شخصیت او محفوظ می‌ماند. امام صادق (ع) به یکی از نزدیکان خود فرمود: «ای بنده خدا، عزت خود را حفظ کن! پرسید: عزت من چیست؟ امام فرمودند: صبح‌گاهان برای کسب و کار رفتن و نفس خود را با بی‌نیازی از دیگران، گرامی داشتن» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ۵). پیامبر اکرم (ص): «[ارزش کار و لزوم حفظ آبرو و شخصیت به اندازه‌ای است که] اگر هر کدام از شما ریسمان و طنابی را بردارد و خود، هیزم حمل کند و آن را به فروش برساند و زندگی خود را اداره و شخصیت خود را حفظ کند، بهتر است از آنکه از مردم کمک درخواست کند، خواه به او بدهند یا از او دریغ کنند و از عطای خود محروم نشیند» (بحار الانوار، ج ۹۶، ۱۵۸). همچنین، در جایی دیگر فرمودند: «کسی که بار خود را بر دوش دیگری بیفکند و از حاصل زحمات دیگران استفاده کند، از رحمت الهی به دور است» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳: ۱۳۵).

با وجود توصیه‌های صریح و اکید اسلام به کار و تلاش، در مورد پرهیز از افراط و تفریط در کار نیز هشدار داده شده است. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «تلاش تو برای زندگی باید بالاتر و بیشتر از تلاش اهمال‌کننده، و کمتر از کوشش حریصی باشد که دل‌بسته و دلخوش به دنیا است. خود را نسبت به دنیا به منزله فرد منصف و عقیف قرار داده و از مرتبه انسان سست و ضعیف برتر دار، و آنچه برای یک مؤمن لازم است کسب نما. همانا کسانی که خداوند به آنها مال و ثروت عطا کرده است ولی سپاسگزار درگاه الهی نباشند، مانند کسی هستند که مالی ندارد و بهره‌ای از ثروت نمی‌برد» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ۳۰).

به نظر می‌رسد وجه مشترک الگوی دوم و سوم زن به لحاظ اقتصادی، مشارکت مستقیم زن در فعالیتهای اقتصادی و تولید درآمد است. زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه فقط موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای به شمار می‌روند بلکه، عامل پیشبرد اهداف مهم آن هستند و به کار گرفتن صحیح و مطلوب آنان نه فقط نیل به اهداف توسعه اقتصادی را آسان‌تر می‌کند، بلکه از نظر



تحقق هدفها، توزیع عادلانه‌تر درآمدها و افزایش رفاه و سطح زندگی خانواده‌ها تأثیرات مثبتی ایجاد خواهد کرد (گواهی، ۱۳۷۸: ۷۶).

شرایط سخت اقتصادی در خانواده‌ها، زن را خواسته یا ناخواسته آماده هرگونه همکاری با همسر در جهت پرکردن خلأهای مادی می‌کند؛ به طوری که هر شغلی را و لو سخت و یا به دست مزد کم می‌پذیرد. چرا که کسب استقلال مالی که بهبود وضعیت اقتصادی خانواده را در پی دارد، پاسخی است به نیاز روزافزون خانواده و بیشترین انگیزه زنان در این عامل را در بر می‌گیرد. از طرفی اشتغال خارج از خانه بانوان چون همراه با حذف هزینه‌های زندگی است، زنان صرفه‌جو بار آمده و از خرج‌های زائد می‌کاهند. کار کردن زنان نه تنها بر درآمد خانوار تأثیر می‌گذارد، بلکه بخش قابل توجهی از درآمد ملی را نیز فراهم می‌کند. کمک مالی زنان و مساعدت برای تأمین نیازهای خانه باعث می‌شود که زنان با افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش مصرف و فرهنگ صرفه‌جویی و قناعت را به‌خوبی یاد بگیرند. زنان به دلیل ویژگی‌های عاطفی خود بیشتر درآمدها را برای بهبود شرایط خانه و خانواده‌هایشان صرف می‌کنند (نادری، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۶). با این حال، نرخ باروری زنان جامعه که بیانگر نقش جمعیت‌آفرینی آنان است، با مشارکت اقتصادی زنان رابطه‌ای معکوس دارد. مطالعات اقتصادی رایج، از جمله مطالعه موک و وانگ^۱ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد در جوامعی که نرخ باروری بالاست، زنان معمولاً فرصت‌های کمتری برای ورود به بازار کار و توسعه حرفه‌ای خود دارند. بنابراین، می‌تواند به کاهش سرانه تولید ناخالص داخلی منجر شود و بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد.

به طور کلی، پژوهش‌های مختلفی در مورد اشتغال زنان صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد آثار مختلفی بر اشتغال زنان مترتب است. برخی پژوهش‌ها اثرات مثبت اشتغال زنان را چنین ارزیابی نموده‌اند: کمک به اقتصاد خانواده‌ها، کمک به اقتصاد ملی از طریق بالا رفتن تولید و درآمد ملی (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۱؛ افشاری، ۱۳۹۵)، عزت‌مندی اقتصادی، کمک به استقلال ملی، کمک به اهداف دینی (به واسطه فعالیت در مشاغل مختص زنان، شکوفایی استعدادها، شخصیتی و روحی زنان، انگیزه و تمایل بیشتر در زنان نسبت به مردان به منظور فعالیت در امور عام‌المنفعه و عمومی) (خیری، ۱۳۸۵). دسته‌های دیگر از پژوهش‌ها اثرات منفی اشتغال زنان را بر شمردند: کاهش نرخ باروری، فشار مضاعف بر زنان و تأثیر منفی بر سلامت جسمی و روحی آنان، کاهش فرصت‌های شغلی پیش روی مردان، کم شدن حضور زن در خانه و سست شدن بنیان خانواده، اختلاط در روابط خانوادگی، تغییر در ویژگی‌های زنان (دری نجف‌آبادی و همکاران؛ ۱۴۰۰؛ نظری و همکاران، ۱۴۰۰؛ افشاری، ۱۳۹۵؛ خیری، ۱۳۸۵؛ احمدنیا، ۱۳۸۳؛ حوراء، ۱۳۸۳؛ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۶۹؛ صدیق اورعی، بی‌تا)

بر طبق الگوی زن مسلمان و منطبق با گفتمان انقلاب اسلامی در مورد مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، امام‌خامنه‌ای همواره بر اثرگذاری دوگانه نقش زنان توجه داشته و بیان نموده‌اند «زنان باید به حضور فعال و مؤثر در جامعه پرداخته و در امور اقتصادی و اجتماعی مشارکت کنند» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸) و به صراحت اعلام کرده‌اند که «هرگونه خلأیی در نیروی کار، به کاهش قدرت تولیدی کشور منجر خواهد شد» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳). بر این اساس، «باید سیاست‌های جمعیتی ما به گونه‌ای باشد که از کاهش جمعیت جلوگیری کند» و «برای پیشرفت کشور باید به جمعیت‌سازی و افزایش نسل جدید توجه ویژه‌ای شود» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰). و در جایی دیگر، بر خطرات ناشی از کاهش جمعیت تأکید نموده و فرموده‌اند: «مسئله جمعیت، یک مسئله ملی است» و به سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت و حمایت از خانواده‌ها اشاره کردند (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱).

۱. Mok & Wong

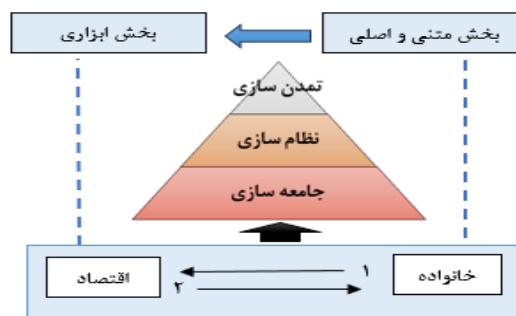


در مجموع، در نگاه اسلام اشتغال زن هدف نیست بلکه، برای تعالی شخصیت زن، خدمت به خانواده و افزایش رفاه پذیرفته شده است. پژوهش‌هایی نظیر؛ عاطفی (۱۳۸۶)، آذربایجانی (۱۳۸۸)، عبدالوهابی و علی‌احمدی (۱۳۹۸)، عبدالخانی (۱۳۹۴)، متین و وجدانی (۱۳۹۸)، عابدیان و اخوان روش‌ندل (۱۳۹۹)، پور زمانی و همکاران (۱۴۰۱)، محمد علی ابراهیم و امام (۱۴۰۱) و دارا و صادقی (۱۴۰۲) همگی حاکی از آن است که اسلام قائل به فعالیت اقتصادی و اجتماعی زنان است اما آن را تابع شرایطی نظیر؛ حفظ کیان خانواده، تأمین حقوق زنان، عدم اختلاط زن و مرد و امثال آن می‌داند و مادامی که این شرایط در معرض آسیب باشد، فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان را غیر ضروری تلقی می‌کند.

۳. بحث و نتیجه گیری

«انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد و تمام مؤلفه‌های آن بر محور اسلام است (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). «این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش؛ ابزاری و بخش دیگر؛ متنی، اصلی و اساسی است. بخش ابزاری عبارت است از ارزش‌هایی که امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، خط، زبان، کسب و کار و رفتارهای ما در محل کار، دانشگاه، مدرسه، رفتارهای ما در فعالیت سیاسی، ورزش، رسانه، رفتارهای ما با پدر و مادر، همسر، فرزند، دوست، دشمن و بیگانه، نوع رفتار در محل کار با رئیس، مرئوس، پلیس و مأمور دولت، نوع سفرها و چگونگی نظافت و طهارت که همگی متن زندگی انسان است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

از یک طرف، خانواده و نقش تربیتی آن بستر ساز بخش اصلی تمدن‌سازی است و از طرف دیگر، در سالهای اخیر، تأکید بر طراحی و اجرای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و منویات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی در برهه‌های مختلف، همگی مؤید نگاه خاص ایشان به مقوله اقتصاد به عنوان مهمترین بخش ابزاری تمدن نوین اسلامی است. در مجموع، رابطه خانواده و اقتصاد در تمدن‌سازی از نگاه مقام معظم رهبری طی سالهای مختلف را بر اساس فرمایشات ایشان، می‌توان در قالب شکل (۳) نشان داد.



شکل (۳): جایگاه خانواده و اقتصاد در هرم تمدن‌سازی از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ منبع: یافته‌های پژوهش



به علاوه، بخش ابزاری تمدن بالاخص شرایط اقتصادی نیز، بر سبک زندگی خانواده‌ها تأثیرگذار است. لذا، رابطه‌ای دو سویه میان اقتصاد و خانواده و نقش آن در هرم تمدن‌سازی وجود دارد. برخلاف نظریات فمینیستی توسعه، زن در چارچوب خانواده و محور جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه نقش اساسی دارد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه‌هایی در راستای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در چند سرفصل اساسی مطرح نمودند: ۱- علم و پژوهش، ۲- معنویت و اخلاق، ۳- اقتصاد، ۴- عدالت و مبارزه با فساد، ۵- استقلال و آزادی، ۶- عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، ۷- سبک زندگی. در سرفصل اقتصاد ایشان چنین بیان داشتند: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، بخاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم‌ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم‌رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است. راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی‌کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

در مجموع، از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) چنین استنباط می‌شود تحقق تمدن‌نویین اسلامی نیازمند توجه جدی به مقوله اقتصاد و تلاش برای اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است. بدیهی است این امر از طریق تغییر سبک زندگی متناسب رقم خواهد خورد و آن نیز، در گرو حفظ و صیانت از جایگاه خانواده و نقش زن در خانواده و اجتماع است.

با توجه به نتایج این پژوهش، نقش زن در فعالیتهای اقتصادی در هر سه الگوی مطالعه شده را می‌توان در جدول (۱) خلاصه نمود:



جدول ۱: مقایسه الگوی اول و دوم زن در فعالیتهای اقتصادی با الگوی بانوی مجاهد

مفروضات و پیش فرضها	نقش های اقتصادی زن	الزامات ایفای نقش اقتصادی زن
الگوی اول زن	جمعیت آفرینی	ایفای نقش همسری و مادری بدون رعایت ارزش انسانی او
الگوی دوم زن	نیروی کار؛ زن به عنوان بخش مهمی از ظرفیت بالقوه کارگر، سرمایه انسانی، کارآفرین و امثالهم نگریسته می شود که می بایست مانند مرد در تولید ثروت و درآمد سهیم باشد.	کم رنگ شدن و یا حذف نقش های همسری و مادری کاهش نرخ باروری و جمعیت آفرینی
الگوی سوم زن (بانوی مجاهد)	۱- نقش های غیرمستقیم: - جمعیت آفرینی - قناعت و پس انداز - اصلاح الگوی مصرف به واسطه دوری از اسراف، تبذیر و اتراف و تجمل گرایی - نقش آفرینی در کاهش فقر و مشکلات اقتصادی جامعه از طریق انفاق و ایثارهای مالی ۲- نقش های مستقیم: ابداع کننده، کارآفرین و شاغل در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی	- ایفای نقش مادری و همسری با رعایت ارزش های انسانی - حفظ کبان خانواده به عنوان جهاد تلقی می شود و در قالب همین جهاد، زمینه نقش آفرینی غیرمستقیم بر فعالیتهای اقتصادی نیز ظهور می یابد. - به عنوان یک انسان مادامی که فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی با شخصیت و سرشت ذاتی وی مغایرت نداشته باشد، حق دارد ابعاد وجودی خود را ارتقاء دهد و در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی نیز مشارکت داشته باشد. - نظام اسلامی موظف است از طریق سیاست گذاری متناسب، بستر تعالی فردی و اجتماعی زن را فراهم نماید.

منبع: یافته های پژوهش

بر اساس الگوی بانوی مجاهد، زن در خانواده و در کانون آن، نقش مهمی در بسترسازی برای تمدن نوین اسلامی ایفاء می نماید. بر طبق این الگو، زن در وهله اول رفتاری جهادگونه در عرصه فعالیتهای داخل خانواده انجام می دهد و همین امر زمینه ساز نقش آفرینی غیرمستقیم وی در اقتصاد جامعه می باشد. به طوری که؛

۱- از طریق فرزندآوری، ضمن حفظ نقش مادری و همسری و کبان خانواده، در تعیین پتانسیل نیروی کار و سرمایه انسانی پیش نیاز تولید و رشد اقتصادی نقش دارد. این در حالی است که الگوی دوم زن، موجب کم رنگ شده این نقش در کشورهای با درآمد بالا شده است. به طوری که با وارد بحران پیری جمعیت شده اند.

۲- از طریق اصلاح الگوی مصرف و اتخاذ سبک زندگی عاری از اسراف، تبذیر و اتراف و نیز، تجمل گرایی به اقتصاد خانواده و مدیریت مخارج کمک می کند.



۳- به تبعیت از سبک مصرفی فوق و نیز، با اتکاء به قناعت، پس انداز خانواده و ظرفیت پس انداز کلان اقتصادی جامعه را ارتقاء می دهد.

۴- به تأسی از الگوی اسلامی، بخشی از اموال و پس انداز را به منظور کاهش فقر اجتماعی، انفاق و ایثار می کند و در رفع مشکلات اقتصادی جامعه نظیر؛ فقر و نابرابری سهیم است.

در وهله بعد، تعالیم اسلامی این حق را به زن داده است که با حفظ حریم عفت، تا جایی که کیان خانواده در خطر قرار نگیرد، به طور مستقیم به فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی در جامعه پرداخته و در راستای تعالی خود، خانواده و جامعه قدم بردارد. بر اساس مباحث مطرح شده در بخش قبل، به طور ضمنی می توان استنباط نمود که در اسلام نقش های غیرمستقیم زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بر نقش مستقیم وی به عنوان نیروی کار برتری دارد، در عین اینکه اسلام، ایفای نقش اقتصادی و اجتماعی زن را از حقوق بدیهی وی بر می شمارد و ایفای توأم نقش ها نیز بنا به ملاحظات مطرح شده، به رسمیت شمرده شده است.

مطالعات و شواهد تجربی نشان می دهند ایجاد مشاغل و یا تدابیر مناسب در قوانین شغلی زنان از سوی سیاستگذاران و مسئولان حاکمیتی می تواند موجب شود که بستر تحقق همزمان مشارکت غیرمستقیم و مستقیم زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی ایجاد شود. تسهیل مشاغل خانگی زنان، بیمه زنان خانه دار، ساعات کار منعطف، ایجاد مشاغل نیمه وقت، مرخصی های بارداری، شیردهی و زایمان با حفظ حقوق و جایگاه شغلی، استفاده از مهدهای کودک در محیط کار و امثال آن می تواند به رفع تراحم های احتمالی میان نقش های غیرمستقیم و مستقیم زنان علاقمند و مستعد فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی کمک قابل توجهی نماید. این امر مستلزم سیاستگذاری و قانون گذاری متناسب و ایجاد الزامات و ضمانت های اجرایی آن از جانب بدنه حاکمیتی کشور است.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

مجموعه بیانات مقام معظم رهبری.

۱. _____ «نظری بر نظام اقتصادی اسلام». مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲. احمدنیا، شیرین. (۱۳۸۳). اثرات اشتغال بر سلامت زنان. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۳(۱۲). ۲۷۰-۲۳۶.
۳. افشاری، زهرا. (۱۳۸۳). اقتصاد خانواده. چاپ دوم. تهران: دانشگاه الزهرا.
۴. افشاری، زهرا. (۱۳۹۵). عوامل اقتصادی-اجتماعی تعیین‌کننده باروری در ایران (با کاربرد داده‌های پانل). فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۶(۲۲)، ۲۰-۱۳.
۵. آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی و اشتغال زنان، مطالعات راهبردی زنان، ۱۲(۴۶)، ۱۱۶-۸۱.
۶. باقری، شهلا. (۱۳۸۲). اشتغال زنان در ایران؛ درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته. تهران: شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.
۷. پوران، رقیه و شاه‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۹). بررسی رابطه جمعیت-پיچیدگی اقتصادی در بستر کیفیت نهادی و جهانی شدن، همایش ملی علم، فناوری و پیچیدگی اقتصادی، تهران: دانشگاه الزهرا.
۸. تیمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلّم. ترجمه مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. توسلی، غلام‌عبّاس. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی کار و شغل. تهران: سمت.
۱۰. جهانیان، ناصر. (۱۳۹۱). اصلاح الگوی مصرف از منظر اقتصادی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۱۱. حسینی، رضا. (۱۳۸۸). الگوی تخصیص درآمد، نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۱۲. حسینی، سید ابراهیم. (۱۳۸۸). فمینیسم. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
۱۳. حکیمی، محمدرضا حکیمی. و حکیمی، محمد. (۱۳۸۰). علی، الحیات، جلد سوم، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر معارف اسلامی.
۱۴. خلیلیان اشکذری، محمد جمال. (۱۳۸۱). فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری). چاپ اول. قم. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۵. خیری، یوسف. (۱۳۸۵). اشتغال زنان و پیامدهای آن. بانوان شیعه. شماره ۹.
۱۶. دارا، جلیل و صادقی، الهه. (۱۴۰۲). اشتغال زنان در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر الگوی اسلامی-ایرانی. فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۱(۲) (پیاپی ۲۲)، ۲۸۳-۲۵۹.
۱۷. درزی نجف آبادی، زهرا. مهرآرا، محسن. غفاری، فرهاد و هزبرکیانی، کامبیز. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر اشتغال زنان بر ازدواج و طلاق. اقتصاد و الگو سازی. ۱۲(۲): ۱۹۵-۱۶۷.
۱۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۳). مبانی اقتصاد اسلامی. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۱۹. راغب الاصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۳۷۴). مفردات ألفاظ القرآن، تهران: مرتضوی.
۲۰. رفعت‌جاء، مریم و خیرخواه، فاطمه. (۱۳۹۱). مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان های مدیریتی پست. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۱(۲): ۱۵۶-۱۳۰.
۲۱. سازمان امور اداری و استخدامی کشور. (۱۳۶۹). شناخت جایگاه زنان و چگونگی کارگزاری آنان در دستگاه‌های دولتی. (۳ جلد)، تهران: دفتر بررسی ارزش‌های حاکم بر نظام اداری.
۲۲. ساوه درودی، مصطفی و همکاران(۱۴۰۱)، «الگوی امنیت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله العالی)»، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال دهم، شماره ۲، صص ۶۳-۳۷.



۲۳. سلاطین، پروانه. رستمی انکاس، سمانه و محمدی، سمانه (۱۳۹۷). تأثیر باروری بر نرخ مشارکت زنان در گروه کشورهای منتخب: رهیافت داده‌های پانل. زن و مطالعات خانواده. ۴۱ (A): ۲۲-۷.
۲۴. صدیق اورعی، غلامرضا. «اشتغال زنان». پیام زن. دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ش ۴۹-۵۲.
۲۵. ظاهری نیا، احمد. (۱۳۸۴). زن و استقلال اقتصادی، مجله معرفت. شماره ۸۹.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
۲۷. عابدیان، سیدحسین و اخوان روشندل، صادق. (۱۳۹۹). بررسی فقهی- تربیتی اشتغال زنان، مطالعات فقه تربیتی، ۷ (۱۳)، ۲۵۰-۲۸۰.
۲۸. عاطفی، قربانعلی. (۱۳۸۶). بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام و غرب، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای زن در نظام حقوقی اسلام در دانشگاه آزاد واحد آستارا، ۲۱-۱.
۲۹. عبدالخانی، ساجده. (۱۳۹۴). جایگاه اشتغال زنان در اسلام، پژوهشنامه اسلامی زن و خانواده، ۲ (۵)، ۱۲۸-۱۲۳.
۳۰. عبدالمالکی، حجه اله. (۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل. تهران: دانشگاه امام صادق.
۳۱. عبدالوهابی، معصومه. روشنائی، علی. علی احمدی، امید و جمالی آشتیانی، حسین. (۱۳۹۸). بررسی چالش اشتغال زنان براساس دیدگاه اسلام و لیبرالیسم، مطالعات سیاسی، ۱۲ (۴۶)، ۱۲۰-۱۰۱.
۳۲. عرب‌مازار، عباس. علی‌پور، محمدصادق و زارع نیاکوک، یاسر. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران، اقتصاد و الگو سازی، ۵ (شماره ۱۷-۱۸)، ۷۵-۹۱.
۳۳. عظیمی، ناصرعلی. (۱۴۰۰). ارائه مدلی به‌منظور سنجش اقتصاد دانش‌بنیاد در ایران. مدیریت بهره‌وری. دوره ۱۵، ۴ (۵۹)، ۲۳۱-۲۱۱.
۳۴. علاءالدینی، پویا و رضوی، محمدرضا. (۱۳۸۳). وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران. رفاه اجتماعی. ۱۲.
۳۵. علی‌پورجوادی، پوررشیدی هانف (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمان سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال نهم، دوره ۸ شماره ۲، ص ۱۶۷-۱۴۰.
۳۶. فتحعلیانی، حامد. حسینی، حمید. احتشامی، علی حسین. (۱۳۹۸). جستاری در جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی با محوریت اخلاق اقتصادی؛ تولید، توزیع و مصرف. فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی ایران)، ۳ (۱۱)، ۲۱۸-۱۹۷.
۳۷. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۸۶). قاموس قرآن. چاپ پانزدهم. تهران، دارالکتب اسلامی.
۳۸. کریمی موغاری، زهرا. مینو، نظیفی نایینی. عباسپور، سحر. (۱۳۹۲). عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران، فصلنامه مطالعات اجتماعی-روان شناختی زنان، ۱۱ (۳)، ۸۰-۵۳.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۴۰. کرمی، محمد مهدی. (۱۳۹۰). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. چاپ یازدهم. تهران، انتشارات سمت.
۴۱. گواهی، زهرا. (۱۳۷۸). تعلیم و تربیت در اندیشه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۴۲. لویون، گوستاو. (۱۳۱۸). تمدن اسلام و غرب. ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: کتابفروشی و چاپخانه علمی.
۴۳. متین، زهره و وجدانی، فاطمه. (۱۳۹۸). اشتغال و فرزندپروری براساس دیدگاه مقام معظم رهبری، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۷ (۱۲)، ۱۰۲-۸۳.
۴۴. مجلسی، محمد باقر. (ق ۱۴۰۳). بحار الانوار، چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۵. محمد علی ابراهیم، نیره، و امام، محمدرضا. (۱۴۰۱). اشتغال زن در اقتصاد خانواده از نگاه فقه و حقوق موضوعه، مطالعات فقه اقتصادی، ۴ (۲)، ۴۷-۵۵.
۴۶. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۵). میزان الحکمه. چاپ هشتم. قم: دارالحديث.
۴۷. محمدی، مریم. (۱۳۹۱). تجمل‌گرایی زنان از دیدگاه اسلام (اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده)، تهران: پیام عدالت.
۴۸. محمدی، مسلم. (۱۳۹۲). زن از دیدگاه اسلام و فمینیسم. چاپ اول. قم. نشر زائر.



۴۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). مسئله حجاب و نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
۵۰. معین، محمد. (۱۳۶۲). فرهنگ معین، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر.
۵۱. مهربانی، وحید. (۱۳۹۴). اشتغال زنان و روند باروری و رشد جمعیت در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۰ (۲)، ۷۲-۹۴.
۵۲. نادری، سمیه. (۱۳۸۹). آثار مثبت اشتغال زنان، مدرسه علمیه امام خمینی، تهران، بهار.
۵۳. نظری، فهیمه. کریمیان، حبیب‌الله و شریفی، منصور. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر کیفیت اشتغال زنان بر کیفیت زندگی (مطالعه موردی زنان شاغل شهر تهران). فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی. (۳) ۳، ۱۶۸-۱۵۰.
۵۴. ورام بن ابی فراس. مسعود ابن عیسی. عطایی، محمد رضا. (۱۳۶۹). مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام. ترجمه تبیه الخواطر. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱. Ahn, N, & M ra, P. (۲۰۰۲). A Note on the Changing Relationship between Fertility and Female Employment Rates in Developed Countries. *Journal of Population Economics*, ۱۵(۴), ۶۶۷-۶۸۲.
 ۲. Barro, R.J. (۱۹۹۱). Economic Growth in a Cross Section of Countries. *The Quarterly Journal of Economics*, ۱۰۶(۲), ۴۰۷-۴۴۳.
 ۳. Becker, Gary, S. (۱۹۶۰). "An Economic Analysis of Fertility. Demographic and Economic Change in Developed Countries", *A Conference of the Universities, National Bureau Committee for Economic Research*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
 ۴. Bertay, A. C., Dordevic, L., & Sever, C. (۲۰۲۰). Gender Inequality and Economic Growth: Evidence from Industry-Level Data. *IMF Working Paper*. Monetary and Capital Markets Department. WP/۲۰/۱۱۹.
 ۵. Bloom D. E., Canning, D., Fink, G. & Jocolyn E. (۲۰۰۷). Fertility, Female Labor Force Participation, and the Demographic Dividend. *Fi nlay NBER Working Paper* No. ۱۳۵۸۳
 ۶. Boserup, E. (۱۹۸۹). Rural Development and Population: Institutions and Policy. *Population and Development Review* ۱۵ Supplement: ۴۵-۶۰. <https://doi.org/10.2307/2807921>
 ۷. Eastertlin, Richard, A. (۱۹۶۶). "On the Relation of Economic Factors to Recent and Projected Fertility Changes". *Journal of Demography*, ۳(۱), ۱۳۱-۱۵۳.
 ۸. Kremer, M. (۱۹۹۳). Population Growth and Technological Change: One Million B.C. to ۱۹۹۰. *The Quarterly Journal of Economics*, ۱۰۸(۳), ۶۸۱-۷۱۶
 ۹. Leibenstein, H. (۱۹۷۴). "An Interpretation of the Economic Theory of Fertility: Promising Path or Blind Alley". *Journal of Economic Literature*, ۱۲(۲), ۴۵۷-۴۷۹.
 ۱۰. Malthus, T. (۱۷۹۸). *An Essay on the Principles of Population, as it Affects the Future Improvement of Society*. ۱۹۹۸, Electronic Scholarly Publishing Project. London. <http://www.esp.org>
 ۱۱. Miovanović, M. (۲۰۲۳). The Relationship between Fertility and Female Participation in the Labor Force in OECD Countries ۲۰۰۰-۲۰۲۰: It Is (Again) Negative. *Central European Economic Journal*, ۱۰(۵۷), ۲۵۴-۲۷۴.
 ۱۲. Mok, K. H., & Wong, K. (۲۰۱۸). Gender equality, family-friendly policies, and women's participation in the labor market: Implications for the knowledge economy. *International Journal of Human Resource Management*, ۲۹(۱۶), ۲۳۷۷-۲۳۹۷.
 ۱۳. Shahabadi, A., Pouran, R. (۲۰۲۴). Exploring the Interaction of Population, Globalization and Institutional Factors for Achieving Economic Complexity in Developing Countries, *Journal of the Knowledge Economy*, DOI: 10.1007/s13132-023-01223-x
 ۱۴. Simon, J. (۱۹۸۱). *The Ultimate Resource*. Princeton University Press, Princeton.